

حقیقت

شماره ۱۱۲ * ۳۰ فروردین ۱۳۶۰

حکومت قانونی که حکومت دار و دسته حزبی را قانونی کند،

حکومت استبداد است!

.... ببینید اینها دیگر از چه فرقه‌ای اند که حتی ایمن قانون اساسی هم برای استقرار حکومت استبداد و اخناقشان زیاده از حدگشا دست و امیال بیما رگونه فدیشری و ضدآراده‌جویی ایشان را ارضاء نمیکنند.

صفحه ۳

سرمقاله:

درباره اهمیت جنگ ایران و عراق در سرنوشت انقلاب ایران

این روزها در بسیاری از جراید و سخنرانی‌ها و محافل به عناوین مختلف به اهمیت مسئله جنگ ایران با عراق در رابطه با سرنوشت انقلاب ایران اشاره میشود و بسیاری نیروها ظاهراً با طناً مسئله ایمن جنگ را مسئله حیاتی انقلاب می دانند.

اما اینکه گفته شود مسئله این جنگ درجا معنی یک مسئله اصلی و حیاتی است ضرورتاً به این معنا نیست که گوینده این سخن در واقع قصد آن دارد که در جهت مصالح انقلاب و دفاع از همین گام بردارد و ایمن موضوعی است که با جدان توجه شود.

مثلاً بوده اند کسانی که ریلوای این تحلیل که مسئله جنگ مسئله اصلی جا معنی است شمار تبدیل آنرا به جنگ

داخلي بر علیه حکومت کنونی فرموله کرده اند و در این رابطه به هموائی با امپریالیسم رسیده اند و پیدا است که این چنین تحلیلی از اصلی بودن و حیاتی بودن مسئله جنگ با عراق هیچ وجه بیان کننده قدم گذاشتن نیروی تحلیل کننده در راه انقلاب نبوده و بلکه در واقع به معنای ضدیت با آن است. اما کسانی دیگری هم هستند

که با مسئله جنگ را یک مسئله حیاتی و سرنوشت ساز در جا معنی و انقلاب میدانند و ما در خلوت مقام دیگری را مطرح میکنند. حزب جمهوری اسلامی و متحدانش که این روزها زیاد از مسئله جنگ دم میزنند و یکباره شدیداً طرفدار سیاست قاطع جهاد مسلحانه بر علیه رژیم صدام شده اند، از این قماشند. آنها از (بقیه در صفحه ۲)

تاریخ و مردم در این باره قضاوت سختی خواهد کرد!

پیام رویزیونیسم و خیانت!

تکاتی پیرامون پیام نوروزی چریکهای اکثریت

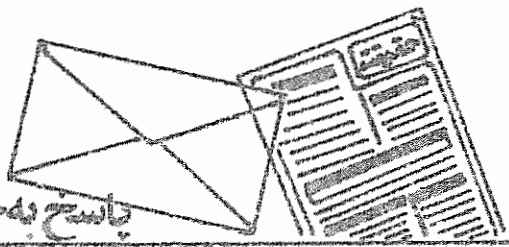
مقالاتی درباره اوضاع ال سالوادور بنیان

انحصار طلبان و میثاق وحدت

گزارشی از شهرزاد قائمیه. خبری از قزوین

پاسخ به خوانندگان

پیرامون نظرات امام درباره شکنجه سخنان اخیراً مسام در دیدار با رئیس دادگستری انقلاب اسلامی مرکز ونی چند از مسئولین دادگستریها و زندانهای کشور از فضا به شایعات (۱) شکنجه خاسته دو معلوم شد که شکنجه هست ولی این زندانیها، این شلاق خورده ها، این ناقص و معلول شده های مجلسهای خصوصی کمیته های انقلاب اسلامی نیستند که شکنجه میشوند. بقیه در صفحه ۶



اهمیت جنگ

حیاتی انقلاب ایران است. در نظر ما مسئله جنگ واقعی است که در شرایط کنونی، ما و آرمان ما یعنی کمونیسم انقلابی را به آزمایش میخواند. مسئله جنگ مسئله ای است که ما در متن تلاش خودمان برای ادامه انقلاب و برقراری یک حاکمیت انقلابی آزادخواه و استقلال طلب در ایران با آن مواجهیم. مسئله جنگ از این زاویه یعنی با پانشاری بر سر کمونیسم انقلابی و با تاکید بر ضرورت ادامه انقلاب در راستای آزادیخواهان و استقلال طلبان است که برای ما بعنوان یک مسئله حیاتی مطرح شده است. آرمان ما بما حکم میکند از همین خود در مقابل تجاوزا امپریالیستی که از طریق رژیم صدام صورت گرفته است دفاع کنیم. تجاوز یعنی عراقی به ایران که بر اساس نقشه امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است، شکست کثافتانگه ای را به ایران و زمینه سازی برای تجزیه ایران و انجام کودتا های امپریالیستی را هدف اصلی خود داشته است. بنا بر این وفاداری به انقلاب دیگران تکیه و ضدا امپریالیستی ایران و پیشرفت این انقلاب نیز مقابله با این تجاوز و ضدا انقلابی ارتجاعی چپانی را در دستور کار قرار داده و دفاع از دستاوردهای انقلاب دوم و تلاش در جهت پیشبرد آن را با تلاش برای دفع این تجاوز کرده زده است.

در رابطه با ضرورت مقابله با دشمن متجاوز در راه پیشرفت انقلاب ما به مسئله وحدت خلقهای ایران تاکید کرده و تحقق ضروریاتی که این وحدت را ایجاد نماید، طلب نموده ایم. به این خاطر ما به مسئله

املی دانستن مساله جنگ قسدمی مگر توطئه گری ندارند، توطئه هایی که با ید حتمت در پیشگاه ملت افشا شده و در توطئه خفه شود. آنها با اخلال در جبهه و پشت جبهه تفرقه افکنی و استبداد جویی بزرگتریست لطمات را به جنگ مقاومت زده اند، آنها میکوشند در جامعه ما رژیمی از نوع رژیم بعثت اما به سردمداری خودشان برقرار کنند، آنها در دوران جنگ خشم ملت در کشیده ایران را بر علیه خود برانگیخته اند و اکنون میخواهند با عوام فریبی در مورد جنگ بر علیه توده های مردم و بر علیه نیروهای میهن پرست و ترقیخواه بتازند و آنها را سرکوب کنند. منظور آنها از عوام فریبی ها ایشان در مورد جنگ اینست که با استفاده از شرایط راه را برای باجماع در آوردن قدرت سیاسی در جامعه هموار کنند و رقیب را کنارزنند و خلاصه آنکه جنگ را بپوشانند تا با عوام فریبی حاکمیت سیاه خودشان را برقرار سازند و در آن صورت آنها زنده اند که با صدام از صدام بزرگترش هم قسرا داد سازش و تسلیم امضاء نمایند. بهمین سبب می توان نیروهای دیگری را در جامعه بر سر دمکسی مسئله جنگ را حیاتی و اصلی میدانند ما در نتایجی که از این موضوع میگیرند عا مدانه و یا از برندانم کاری و کژ اندیشی بدنتایجی برخلاف مصالح پیروزی انقلاب و ملت بردشمن متجاوز میسرند که ما بسرای جلوگیری از برداراکشیدن سخن فعلا از بحث در این مورد خودداری میکنیم.

دموکراسی که یکی از اهداف برانگیزاننده انقلاب است بعنوان کلید حل مسئله وحدت خلق اشاره کرده و آنرا راهگشای پیروزی بر تجاوزگران دانسته ایم. و با اصرار در این جهت اعضاء و هواداران سازمان ما در جبهه های جنگ به مقابله با دشمن پرداخته و عده ای از آنها جان خود را در راه دفاع از انقلاب و میهن نثار نموده اند. این سمت گیری و برنامهنشان میدهد که چگونه برخورد ما به مسئله جنگ و الزامات آن در ارتباط با مسئله پیشروست انقلاب بوده و چه تفاوتهای میان این سنگگیری با سنگگیری های عوام فریبانه ای که در واقع مسئله جنگ را بپایندی برای آزادگی، تسلیم طلبی در برابر ابرقدرتها و نفاق افکنی قرار داده اند، وجود دارد.

اینکه این جنگ و مقابله با تجاوز رژیم بعثتی چه همیشی در سر نوشت انقلاب ایران دارد است، بنا بر آنچه که تا کنون گذشته، از بررسی تاثیرات شکست ویا پیروزی در آن بر سر روند انقلاب آزادخواهانسه و استقلال طلبانه میهن انانسی میشود. صرف نظر از اینکه این جنگ در واقع در امتداد سیاست امپریالیسم آمریکا برای شکست کثافتانگه ای را به ایران و بصورتی که از رژیم بعثت به خاک ما شکل گرفته است، (و تا دلانسه بودن مقاومت ایران در مقابل این تجاوزا سا از این مسئله نشات میگیرد) برای انقلابیون شایسته است که دورنمای احتمالی جا سدر در ارتعاس با جنگ مورد بحث قرار داده و آن را در محاسبات خود برای جنگی سمت دادن به حرکت خود حساب آورند.

اگر ایران شکست بخورد

یک حساب سرانگشتی و ساده نشان میدهد که اگر ایران در این جنگ شکست بخورد، این به آن معناست که امپریالیسم

این همه، با پیروزی این متجاوز خطر بزرگی دستاوردهای انقلاب و از جمله استقلال ملی را نابود خواهد کرد، که ضرورت مقابله با آن همه انقلابیون (بقیه در صفحه ۷)

حکومت قانونی که حکومت دار و دسته حزبی را قانونی کند،

حکومت استبداد است!

گروهها " داده اند، که البته با این شرط و شروط و تهدیدات ایشان، سلف ایشان یعنی مقام امنیتی محمدرضا شاه معدوم هم به وادادگان سیاسی زمان خود میداد!

حالب اینست که طسوق اطلاعاتیه کذافی متخلفین مراد دهگان نه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه " براساس قوانین اسلامی" مورد مواخذه و محاکمه قرار خواهند گرفت و محازات خواهند شد. ببینید اسنها دیگر از چه فرقه ای اند که حتی این قانون اساسی هم برای استقرار حکومت استبداد و اختناقشان زیاده از حد گشاد است و امبال سبما رگونه ضد بشری و ضد آزادیخواهی ایشان را ارضاء نمیکند! در نتیجه سه قوانین اسلامی هزارویک رنگی که طی ۱۴ قرن و بدست فقها و مجتهدان گوناگون هر مساده اش هزارویک تفسیر و توجیه پیدا کرده است متوسل میشوند تا هر سوانه انوس را برای " اسلام" کذافی جویسش لازم دانند تا تفسیر و توجیه هر سوانه لایبلی کند بهای نقد و اجساد و بیرون کشد و بر سر سوانه بگریزد.

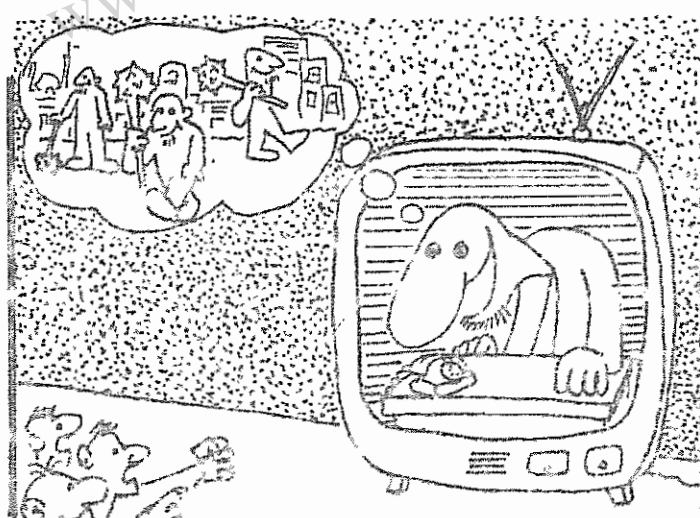
مصای اطلاعاتیه آقایان دادستان کل، که توسط سرهنگان انوس حزب حاکم متوسل سوانه " آغازی برای اکتیت قانون در سطح جامعه " ستایش و سرود جزئی جز آغازی برای احزاب حاکمیت فاشیسم، یعنی سبقت زمیندهای قانونی برای تسلط تک حکومت مطلقه تک حزب تک دار و دسته بی رحمه مردم نمیدانند. البته انخط رد دیگری جز سبقت همین نوع اطلاعاتیه ها و احکام قانونی و بیشرمانه از جانب بقیه در صفحه ۹

حزبی ها و ایدیشان بوده و هیچ گاه اجازه به غیر نمیدهند (چیزی ننویسند و انتشار ندهند) و کسی را به گردهم آشی و شطاهری دعوت نگردانند، و سرانجام " به تشویق و تحریک به اعتصاب و کمکاری و تخمین " و خلاصه هر نوع فعالیت دفاعی یا سیاسی، حتی اگر بمنظور حمایت از محرومان جامعه و مخالفت با زورگویان و غارتگران جامعه هم باشد، نپردازند. بعبارت دیگر کلیه احزاب و گروهها اگر سخاوتهند قانونی و محاز شمرده شوند سبیدی هیچ وسیله، راه چاره و باحقی برای دفاع از خود خفقان بگردند و هیچکاری بی اجازه مقامات انجام ندهند! و مقامات اسم و آدرس رهبران و اعضای خود را هم بدست آقای دادستان کل

و گروهها توسط آقای قدوسی تنظیم و صادر شده، حساوی ده ماده است، که با ماده های قانونی حکومتیهای فاشیستی نظیر حکومت سرنگون شده شاه معدوم هیچ تفاوتی ندارد. طبق این اطلاعیه ده ماده ای تنها احزاب و گروهها - ثی قانونی بوده و حق حیات دارند که طبق میل حکام و صاحبان قدرت اعلام موضع کنند و در حدود شرایط آنها اظهار نظر و فعالیت کنند و هرگاه هم که با از کلیم خود در از ترک کنند سروکارشان با " مقامات قضائی و انتظامی" باشد، آقای دادستان کل در اطلاعیه کذافی خودشان بشوه رضا خان قلدر به کلیه احزاب و گروهها حکم کرده اند که اولاً اگر سلاخی دارند فوراً تحویل دهند، ثانیاً فوراً " موضع

سران کشور هر یک با استناد به گفته امام، که سال رسال احرای قانون اساسی خواسته اند، از حکومت قانون سخن میرانند، از قرار هیات سه نفری پیشنها دی امام هم برای نظارت و ناکید بر اجرای قانون اساسی و تحکیم بنیای حکومت قانون بوجود آمده است، البته از این میگذریم که خود تشکیل این هیات سه نفری از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی عملی غیر قانونی و خارج از اختیارات قانونی مقام " ولایت فقیه" است! اما بهر حال باید دید معنای عملی حکومت قانون و احرای قانون در سال نوجه میباشد، و عملاً چه چیزی دار و جنبه قانونی پیدا میکنند؟

این سئوال را اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی در سراسر مقاله روزیستم فروردین خود زیر عنوان " حکومت قانون" پاسخ گفته است. این روزنامه نا اثاره به قول امام می نویسد: " از سوی امام مسامحانه سال قانون اعلام کرده است. اطلاعیه دادستان انقلاب اسلامی تریسد بخش استمر روجدی گرنس این پیام از سوی مسئولین دبیریت کشور، ساشد آغازی سوران حاکمیت قانون در سطح جامعه امروز آینه ایران گزند..."



همه احزاب و گروهها آزادند، برضی که خواهان آزادی نباشند!

بسیار بدست احزاب و نظامی قانونی " مقامات قضائی و انتظامی " باید متکلی روروش گردند. اما از این باید گذشت که آقای قدوسی " اجازه" مناظر و جنبشهای عقیدتی و سیاسی از طریق وسائل ارتباط جمعی" بعضی را دیوبند نلرسزد بیون رایه " کسه احزاب و

جدیدی " که باب میل مبارک ایشان باشد" رسا اعلام سمانند، " خالیا مطالبی بزعما ایشان " منضمل بر روج، نهبت و تحریک " بعضی انسا گری و روشنگری عنوان سکند، را ساسدن احزاب فلان وزارتخانه بهمان وزارتخانه (که ضما همه شان هم فرخانشه

اما این اطلاعیه دادستان انقلاب اسلامی یعنی آقای علی... که " نویسد بخش استمرار و حدی گرفتن سبما ما و احکامت قانون است برای حال آینه ایران میباشد. این اطلاعیه که بی سار... فرقی ارتجایی و بیشرمانه مجلس دربارده فعالیت احزاب

۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه، عید جهانی کارگران) چگونه بوجود آمد

به این نتیجه رسید که فقط با سراسری کردن این مبارزه و متحد کردن همگون کردن نمایندگان آمریکا بر روی این خواسته و تکلیف کامل به نیروی خودکارگران میتوانستند قدمی به جلو بردارند و بدین ترتیب اول ماه مه ۱۸۸۶ بوجود آمد.

مبارزات کارگران آمریکا در این فرایند چندین ساله حدود سه دوره را پشت سر نهادند و هر دوره تجربه ای اندوخت. دوره اول سالهای بحران اقتصادی ۱۸۶۵ - ۱۸۶۱ بود. اتحادیه های کارگری که در دوران جنگ داخلی از بین رفته بودند، در این دوران با ردیگر احیاء شدند و کارگران در هر منطقه ای گروه گروه به آنها می پیوستند. این اتحادیه ها که در سال ۱۸۶۱ شروع به فعالیت نموده بودند، در سال ۱۸۶۴ دیگر به تشکیلاتهای قدرتمندی تبدیل شده بودند. در این دوره کارگران بحول خواسته های متعددی مبارزات بسیار شدیدی در سطح مناطق و البته جدا از هم به پیش میبردند. یکی از این خواسته ها که در ابتدا بصورت زمزمه های در میان کارگران شنیده میشد و بتدریج بصورت یک خواست مرکزی درآمد، هشت ساعت روزکار بدون کاهش دستمزد بود. تشکیلاتهای اتحادیه ای در آن زمان مهمترین مسئله شان کاهش ساعت کار بود و مسائل دیگر کمتر توجه میکردند. در سال ۱۸۶۶ در کنفرانس همه اتحادیه های تشکیلاتی قطعنامه ای صادر کردند مبنی بر اینکه اولین و مهمترین کاری که امروز با یستی برای کارگران صورت گیرد گذاردن قانون هشت ساعت کار است. در این مبارزات به مسئله ای که توجه همیشگی مبارزان کارگران بود. این تشکیلاتها سیاهان و زنان کارگران در برنمیگرفتند و در نتیجه صفوف کارگران نمیتوانست متحد حرکت کند. در همین حال اهمیت کافی به تکلیف بر نیروی خودکارگران داده نمیشد و در نتیجه این تشکیلاتها برای چندی برای رسیدن به خواسته های خود وارد مناسبات نانوائی با سرمایه داران و فمالیتهای پارلمانتاریستی شدند.

از طرف دیگر سرمایه داران که قدرت روز افزون جنبش کارگری را میدیدند در سراسر آمریکا متحد شدند و با پیوستن بیسک دیگر در سطح شهرها تصمیم گرفتند جنبش کارگری در حال رشد را شکست دهند. آنها در حین انجام اینکار در مقابل خواسته کارگران در مورد کاهش ساعات روزکار یک عقب نشینی ظاهری کردند. دولت آمریکا در مقابل این خواست وسیع و تنوعی در سال ۱۸۶۸ قانون هشت ساعت کار را برای کارگران رسمی از تصویب گذراند. این قانون روی کاغذاً نمودن تشکیلاتهای کارگری نیز بعضی بر طرف کردن نقاط ضعف خود در مورد اتحادکاران سفید و سیاه وزن وارد، کوشش میکردند که از طرق قانونی، این ساده موه را با اجرا بگذارند. این کوششهای غلط بتدریج کارگران را از صفوف این تشکیلاتها دور نمود تا اینکه در سال ۱۸۷۲ این تشکیلاتها عموماً منحل شده بودند. در همین اثناء که کارگران صفوفشان پراکنده تر از آنچه که میباید میشد، هجوم سرمایه داران در سرکوب کارگران شدیدتر میگشت و بدین ترتیب موفق شدند جنبش کارگری و تشکیلاتهای آنرا در این دوران درهم بشکنند و کارگران به هیچیک از خواسته هایشان حتی بطور متوقت نرسیدند. بنیبه در صفحه ۵

۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگر فرامیرسد. این روز بعنوان مظهر وحدت و همبستگی کارگران در تمام جهان، جایگاه برجسته ای دارد. ۹۵ سال پیش، در روز اول ماه ۱۸۸۶، کارگران شهر شیکاگو در آمریکا مبارزه متحدانه ای برای رسیدن به خواسته خود مبنی بر هشت ساعت روزکار، سازماندهی کردند و از آن پس این روز بعنوان روزی که جلوه همبستگی و وحدت کارگران در مبارزاتشان میباشد، باقی ماند.

اول ماه مه ۱۸۸۶ اولین روزی نبود که کارگران برای کسب خواسته هایشان مبارزه میکردند، بلکه نقطه اوج مبارزات چندین ساله کارگران آمریکا بود که پس از سالها مبارزه خونین برای رسیدن به هشت ساعت روزکار روچشیدن مزه شکست ها و پیسری و زیبهای مختلف در این مبارزات به این نتیجه رسیدند که تنها در پرتویک مبارزه سراسری و متحد و گسترده میتوانستند سرمایه داران را عقب بنشانند. اول ماه مه ۱۸۸۶ کارگران مبارزه ای متحد و سراسری و برای اولین بار از پیش سازماندهی شده برپا داشتند و این پیام سرعت سراسر جهان منتقل شد. از آن پس این روز و پیام آن که در سراسر جهان بارها تجربه شد در قلوب همه کارگران باقی ماند و نسل به نسل منتقل شد.

تجربه اول ماه مه و مبارزاتی که به این روز منتهی شد تا بحال بارها برای کارگران تمام کشورهای جهان تجربه شده است. کارگران امروز میتوانند با مشاهده تجربیات خود و برادرانشان در گذشته و حال بروشنی ببینند اگر در مبارزه ای برای رسیدن به خواسته ای هر چند کوچک متحد نباشند، موفق نخواهند بود و بالعکس با اتحاد آگاهی طبقاتی که با تطبیق لازم یک اتحاد استوار و آهنگین کارگری است میتوانند با هم اتحاد و الاثی چون تنبیر بنیادی یک جامعه دست یابند. اول ماه مه از اینجهت عزیز و ماندنی است که کارگران جهان برای اولین بار از رزق اتحاد و همبستگی شان را برای نیل به هدف های طبقاتی شان دریافتند. در اینجا بی مناسبت نیست به سیر و وقایعی که منجر به حوادث اول ماه مه شد مختصراً اشاره کنیم.

پس از جنگهای داخلی آمریکا موقعیت کارگران در ایس کشور وضع اسفباری پیدا کرده بود. کارگران که به امید بهبودی وضع خود در جنگ بر علیه سرمایه داران از خود گذشتگی های بسیاری کرده بودند، اکنون میدیدند که تنها چیزی که با آنها نگشته بلکه سرمایه داران از همیشه قوی تر شده و شدت استعمار آنها را بسیار بالاتر برده اند. یکی از مسائل اصلی که کارگران همواره بخاطر آن درگیر مبارزه با سرمایه داران بودند کاهش ساعات روزکار بود. سرمایه داران در سایه فقر و بیکاری شدیدی که وجود داشت حدود ۱۴ - ۱۲ ساعت در روز کارگران کار می کشیدند و همیشه سعی میکردند ساعات روزکار را یا در این حد نگه دارند و یا اینکه آنرا حتی افزایش دهند. در مقابل کارگران نیز در تلاش و مبارزه بودند که روزکار را تا هشت ساعت تقلیل دهند. این مبارزه تا رسیدن به اول ماه مه ۱۸۸۶ بیش از ۲۰ سال بطول انجام میداد و عوارز و نشیب های مختلفی را گذارند و تا کتک های گوناگونی را مورد استفاده قرار داد و شکست های متعددی را تجربه نمود تا بالاخره

۱۱ اردیبهشت ...

بقیه از صفحه ۴

دوره دوم مبارزات کارگران همزمان با بحران های اقتصادی سالهای ۷۵ - ۱۸۷۳ بود. در این دوره مبارزات کارگران شدت بیشتری را با هیچگونه تشکیلات آمادگی برای سازمان دهی این مبارزات وجود نداشت. این مبارزات در مقابل مبارزات مبارزات دوره اول بسیار شدیدتر بود و در مواردی چون مبارزات کارگران فولادوراه آهن و معدنچیان برای اولین بار جنبه سراسری نیز بخود گرفت. زنان کارگر شرکت بسیار موثر و فعالی در مبارزات این دوره داشتند. در این دوره اگرچه خواسته های متعددی چون افزایش دستمزد و... وجود داشت اما کمالات خواسته های ساعات کار مرکزی ترین خواسته کارگران بود.

سرما به دوران در این زمان نحر به شان در تفرقه افکنی میان کارگران و سرکوب آنها بیشتر شده بود اینها را همزمان ابتدا قبل از اینکه جنبش کارگری فرصت کند خود را به ایجاد تشکیلاتهای جدیدی برساند حرکتی با برنامها و زبیر طراحی شده آغاز کردند و برای درهم شکستن جنبش کارگری به فعالیت برداشتند. جنبش کارگری موفق شده بود تا حدودی سیاهان و بطسور موشی زنان کارگر را با خود همراه سازد. ولی سرما به دوران این بار تفرقه افکنی خود را از طریق جدائی انداختن میان کارگران آمریکائی الاصل و کارگران مهاجران زملیت های مختلف انجام میدادند. سرما به دوران تبلیغ میکردند وضع زندگی و شرایط نامساعد کار برای کارگران بدلیل حضور مهاجران چینی غیر آمریکائی است و بدین طریق از وحدت صفوف کارگران جلوگیری میکردند. آنها در کنار این کارها دست به سرکوب سیاهان و مبارزات در مقابل جنبش کارگری زدند و با اعلام حکومت نظامی در بسیاری از شهرهای آمریکا موفق شدند اینها را نیز جنبش کارگری را شکست داده آنها را پراکنده سازند. بدین ترتیب اگر در دوره اول مبارزه کارگران سراسری بود و اتحاد لازم میان سفیدپوستان و سیاهان و زنان کارگر بر خورد و تشکیلاتهای آن نیز بنیاد مبارزات پارلماناریستی رفتند. در دوره دوم مبارزات آنها تا حدودی سراسری بود اما با زهم در زمینه وحدت صفوف کارگران و اینها میان کارگران آمریکا و کارگران مهاجر ضعف داشت و همچنین نتوانست تشکیلاتی مناسباتی مبارزه ایجاد کند و در نتیجه با زهم این مبارزه خواسته مرکزی آن یعنی ساعات کار را به کسری زده شد.

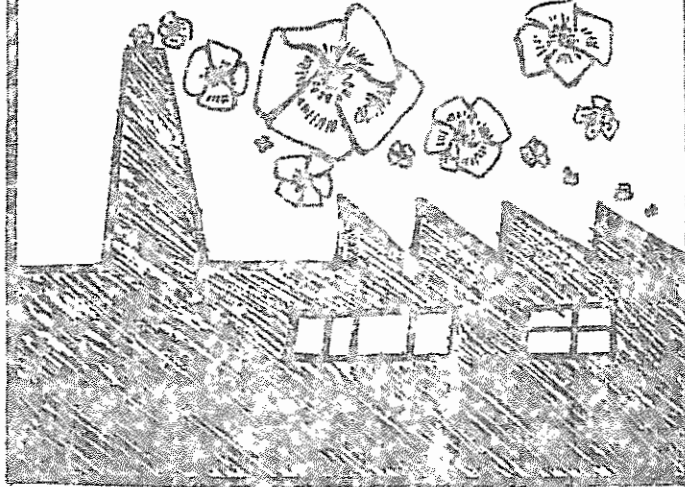
بحرانهای اقتصادی سالهای ۸۵ - ۱۸۸۳ سار دیگریکاری و فقر را افزایش داد و در کنار آن دوره سوم مبارزات کارگران آمریکا شروع شد. کارگران اینبار با درس گیری از مبارزات گذشته خود مبارزه بسیار شدید و از همان آغاز سراسری را شروع نمودند. اینبار شرکت موشر زنان کارگر، سیاهان و کارگران مهاجر در جنبش کارگری قدرت فوق العاده ای به این مبارزات می بخشید و صفوف کارگران از همیشه متحد تر بود. البته گسترش این مبارزه و وحدت صفوف کارگران سار دیگری بدست میآمد. زنان کارگر، کارگران آمریکائی، کارگران مهاجر و سیاهان که هر قسمت مبارزات خود را هموار داشتند سار دیگری بیکدیگر پیوستند و صف محکمی در این مبارزه بوجود آوردند. در زمینه

تشکیلات نیز اینها، کارگران انقلابی از همان ابتدا اقدام به ایجاد تشکیلاتها نمود و از سال ۱۸۸۳ تشکیلاتهای کارگری شروع به وجود آمدن نمود. این تشکیلاتها از همان ابتدا شروع به متشکل نمودن کارگران در مبارزاتشان بخاطر دستمزدها و هشت ساعت کار برده شدند و هر روز گسترش بیشتری پیدا کردند. کارگران اینبار تصمیم گرفتند بودند تا می جلوتر از تجربیات گذشته بروند و از اینرو اول خواسته های متعدد خود را در یک خواسته مرکزی همت ساعت کار خلاصه نمودند و آنها را از آنجا شبکه مبارزات کارگران در ریشه های مختلف تا حدودی سراسری شده بود. تصمیم گرفتند رشته های مختلف را بهم پیوسته و یک مبارزه گسترده و عمومی در تمام کشور بر روی این خواسته صورت گیرد. روشن بود برای تحقق چنین هدفی که تاکنون بی سابقه بود میبایست کمی کوششهای زیادی بکار رود. در نتیجه تشکیلاتهای مختلف کارگری در کشورهای در سال ۱۸۸۴ دسته جمعی توافق کردند که کوششها را بنام مبارزه کارگران را متحد برای خواسته هشت ساعت کار برانگیزانند. برای اینکار در چند سال مهلت تعیین کردند و قرار شد در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ کارگران سراسری آمریکا برای خواسته ۸ ساعت کار به مبارزه برخیزند.

فعالیتهای اتحادیه های از این تاریخ آغاز شد و تبلیغات گسترده ای شروع شد. در پیرو این فعالیتها مبارزه بسیار ۸ ساعت کار در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ تمام آمریکا را فرا گرفته بود. کارگران در ادامه مبارزه گسترده و متحد خود تصمیم گرفته بدین در صفحه ۱۲

روز جهانی کارگر

بدروزی که گرجنت مبارک ساد، زحمتکش!
 بنسین و فرهنگ و شورا بت زنده آزاد! زحمتکش
 بدست کارگر، از نسودرخشند جام بیروز
 اگر با روزم تو از جنگ مزدوران تنگ افتاد، زحمتکش
 درون غنچه دل پرچم آسمان ما خونین
 به شوراها نسود در استرازا ساد، زحمتکش
 همیشه اتحاد تو کند حق شورا تصدیق
 کند هم سنگ راست را زنده آزاد، زحمتکش
 بیرون آمدن کا انبوه گل، زخم کلگون رخ
 چو بسود او از بلبل قصه بساد، زحمتکش
 بنا ز غیبت همسگران را زنده یا کشته
 که ما هم متحد برخاست با افتاد، زحمتکش
 به بهمن در زمستان کاشی ساجیش، آزادی
 به ماه بهار پر شمر تر بساد، زحمتکش



تاریخ و مردم ...

انحصار طلبان و میثاق وحدت

و خامت اوضاع اقتصادی و سیاسی سحرانی جامعه ما بحدی است که جریانات انحصار طلب و استبداد جویی از قماش حزب جمهوری اسلامی نمیتوانند جز با به انحصار رکشیدن قسدرت و سرکوب مخالفان این اوضاع را چاره کنند، بهمین دلیل بزرگامه‌های از قبیل میثاق اخیر نیز طبیعتاً زمینوا نندیریا با شد و قبل از هر چیز بدست حزبی ها خواهد شکست، برخلاف نظرس آیت اله خمینی که میخواست با این میثاق اخبار سال آینده را به سال آرایش و ملاطفت تبدیل کند از همان روزهای اول سال جدید، قتل چند نفر از جوانان مجاهد در شهرهای مختلف، اولین طلوعه تعرض حزب جمهوری را برای سرکوب و اختناق آمیز خلق آشکار کرد، بلافاصله پس از آن زبرلسوای اینکه ما به هیچوجه قبل از محاکمه صدام آتش بس نخواهیم کرد (۱) برنامهمه عوام فریبانه‌ای در ارتباط با جنگ بر راه افتاد و هدف آن بقول آقای جلال‌الدین فارسی "نمد مال" کردن سنی - صدر بوده است، و بلاخره جریان توقیف روزنامه میزان دیگر به روشنی نشان داد که سالی که با گذشتار جوان مجاهد آغاز شد سال ملاطفت دربار لاهم نخواهد بود.

میدهد که این میثاق هسا و آرایشها چگونه در واقع به باز گذاشتن دست حزب انحصار طلب برای سطره بر ارکان حکومت و جامعه می انجامد، (جالب توجه است که سنا به نظر آقای خمینی و همچنین آنطور که سنی صدر اعلام کرده بود قرار این بوده که در روز ۱۴ فروردین تنها پیام اما مینا سبت این روز بخش شود و کسی سخنرانی نکند) تهران: آیت اله حجتی قسم: فخرالدین حجازی امفهان: حجت الاسلام شاه آبادی و دکتر جاسبی تبریز: استاندار آذربایجان شرفی و حجت الاسلام موسوی زاهدان: حجت الاسلام مزاری بسزد: حجت الاسلام فلسفی سنندج: حجت الاسلام سید محمد امین حسینی (امام جمعه سنندج) و مهندس شیخ عطار (معاون استانداری) کرمان: حجت الاسلام معادیخواه رشت: احسان بخش (امام جمعه رشت) و موسواد کریمی لنگرود: کریمی دادستان انقلاب و مومنی فرمانده سپاه مشهد: علی اکبر پرورش ایلام: حجت الاسلام ولی الله شریعت کرمانشاه: حجت الاسلام رحیمی (نماینده لرستان) و خامنه‌ای بختک استبداد دهه دار و -

بلکه این آقایان قضات و زندانبانها و مسئولین دادگاهها و زندانبانها هستند که دائماً آرام و راحت "شان بهم می خورد" شکجه" میشوند! البته در زندانبانهای جمهوری اسلامی (سیاسی) هم هستند که شکجه دیده اند و علائم و داغ های شکجه هم بروی بدنهای آنها مشهود است ... این مطلب را اما مصریحاً اعتراف دارد! لیکن این جمعیتی است که جل الخالق (۱) خودش تلاقه به شکجه شدن دارد و اینسکه خودش خودش را داغ میکند و بعد به گردن دیگران می اندازد، بقول امام:

" شما گرفتار نیستید، جمعیتی هستید که خودشان را سیه می کنند و داغ میکنند برای اینکه گردن شما بگذارند!"

قاعدتا اگر ما پیش از چند ماه بررسی با ملاحظ شابعه شکجه بدین قول رسیده، ما بسد جمعیتی از طرفداران فلسفه یوگای هندی هم در زندانبانهای شان محسوس با شد، عجا که بگرو بسند در این جمهوری به کجا رسیده که حتی جوکی ها و مراتض هاشی را هم که فقط آزارتان به خودشان میرسد، بر زندان میا فکنند!

اما ما چه تصور میکنید، آیا فکر میکنید که با یک همجو پرده پوشی بزرگی، آنچیم بسا استناد سه قول " یک آقای - که دا ما دا ایشان با شدند، میشود بر حقیقت زشتی چون نگنجه در زندانبانهای جمهوری اسلامی خصوصاً در زندانبانهای خصوصی

کمیته ها پرده کشید؟ عجا که برای اما حرفهای این "آقا" واقعی تر و قابل استناد تر از ۱۵۰ مورد شکنجه های فحیح و حیرت آوری است که اسناد آنرا هیات بررسی شکنجه انتخاباتی خودشان در جلوسوی ایشان پهن کردند. امام گفته بی یایه اشراقی را در باره "شکجه" فلان شخصی برای مردم نقل میکند، ولسی گفته ۱۵۰ سند معتبر را، که خود هیات ندا اعتبار آنها را پذیرفته، برای مردم نقل نمیکند و حتی به توصیه آن هیات دستور پنهان کردن آن اسناد و سکوت در باره آنها را میدهد. ولی این اسناد تنها در دست آن هیات نیست و از دیده مردم ایران، که بر سر آزادی و شرافت انسانی خویش سرکوب ترین ساشی ندارند، پنهان نخواهند ماند.

هر چند ما مدرا این دیدار به تفاضی تا حواله سردانسه رئیس دادگاههای انقلاب و سایر برمسئولین مربوطه، که تقاضای فنوای "مهدورالسد" خواندن مجاهدین و گروههای مشابه را داشتند، پاسخ منفی داد، لیکن پرده پوشی های اما مویشترگرمی دادنهانی نشان به این افراد و ارگانهای که اسناد عملیات شکنجه در آنها کاملاً آشکار می باشد، تنها عوامل استبداد و توطئه گران را بیش از پیش جری ساختند و به کارهای خود تشویق میکردند، و البته قضاوت تاریخ و مردم در این باره سخن خواهد بود!

دسته بهشتی و سرکاء آرا امروز بوضوح نمایندگی میکنند بسا هیچ میثاق و قاضی به ملاطفت و آرامش رضا نخواهد داد. آرا - منی که استبدادبان میجویند آرامشی است که جفدها در گورستان خاموش یافته اند و این تنها در شرایط حاکمیت



اهمیت جنگ ...

ایران همه کسانی را که در دلمان ذره‌ای خون آزادیدخواهی و استقلال طلبی است، بسه بر خوردن فعلی لانه می طلبد.

اما معنی پیروزی در این جنگ

اما پیروزی ایران در جنگ به معنای کامل و اسیل کلمه، که تنها در اثر تسویه شدن جنگ میتواند حاصل شود، بمعنای شکست امپریالیسم و معنای پیروزی استقلال طلبی ملت ما بوده و گام بزرگی در راه اعتدالی انقلاب دموکراتیک و فدا میریالیستی ملت ما است. تا آن درجه‌ای که این جنگ شونده‌ای شود و تا آن درجه‌ای که جنگ شونده‌ای پیروز نمیدانند، اتحاد دلی، آزادی و دموکراسی سرزمین ما تقویت میشود، حزب جمهوری اسلامی و یابگاه‌های دیگر استبداد جوشی در جامعه ما تضعیف گشته و همچنین یابگاه‌های نوظهور گری ایران در تیار مخصوص عمال امپریالیسم آمریکا که به پیروزی مداوم بدل بسته اند نیز تضعیف خواهند شد. این پیروزی رژیم مرنج صدام و یابگاه‌های امپریالیسم را در منطقه تضعیف کرده، شعله انقلاب را در کشورهای خلیج و منطقه دامن خواهد زد. این پیروزی در کردستان هم زمبسه‌های رشد یابگاه‌های حزب دموکرات را که باعث مرتسط شده اند، تضعیف کرده و از آنجا که تنها با برقراری وحدت رزمجویان نه فدا میریالیستی حلقه‌های ایران حاصل توانند گشت بنا بر این قطعاً بسود خلق کرد تمام خواهد شد و زمبسه‌های خنقی خواستهای دموکراتیک خلیج کردهم خواهد بود. و نمونه‌های بسیار دیگری میتوان شاهد مثال آورد که پیروزی واقعی

و کامل ایران در جنگ بر علیه نجا و زگران چگونه به انقلاب خدمت میکند و آنرا از سراه‌ها نجات میدهد و درست بخاطر این پیروزی است که کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی باید تلاش کنند چرا که این پیروزی بدون شرکت هر چه فعلی لشرطی است انقلابی در جبهه و پشت جبهه و در صحنه سیاست حاصل نتوانند گشت.

اما آنچه تا کنون گذشته است، نه آن شکست و نه این پیروزی هیچیک نبوده است. سفر هیئت‌های حسن نیت و بالا گرفتن بحث صلح حاکی از آن است که چنانکه ما مدتهاست گفته‌ایم کار جنگ بهین نیستی رسیده است. قوای عراق در پیاده کردن نقشه امپریالیسم آمریکا مبنی بر "فتح خوزستان شکست خورده است و این شکست سببی در واقع به برکت مقاومت توده‌های مردم و سربازان و یاسداران و سایر رزمندگان جبهه‌ها بردشمن تحمیل شده است و گرفته ارتجاعیونسی از قماش سران حزب جمهوری اسلام می و فرماندهان خیانت پشنه ارتش در این میان جزا خلال کاری نکرده اند. در این مسورد باید توجه داشت که هنگامی که از شکست نسبی عراق در پیاده کردن هدف سیاسی - نظامی بلاواسطه اش سخن میگوئیم منظور این نیست که ظرفیت شده است. قوای عراقی هنوز بخش مهمی از خاک میهن ما را در اشغال دارند و هر روز شهرهای خوزستان را هدف گیری میکنند و بر سر مردم و رزمندگان بمب و خمپاره میبارند. بنا بر این جبهه و انقلاب بشدت در خطر است و میا رزه‌ها پیدا تا اخراج کامل قوای عراقی از سرزمین‌های اشغالی

بشدت ادا می‌باید. و در این بین رابطه تا کید برخواست‌های عادلانه که با توده‌های کردن جنگ و برقراری وحدت نیروها بر مبنای دموکراسی پیروزی را تسهیل میکند، و ما در مقیالات مختلف از آن سخن گفته‌ایم، ضروری است.

اینکه عراق هنوز کما ملا شکست نخورده است و اینکه هنوز بخشی از خاک میهن ما در اشغال قوای مهاجم میباشود در عین حال جنگ بهین بست رسیده است نشان دهنده نا توانسی قوای ایرانی از پیروزی در جنگ میباشد و این نا توانسی پیش از هر چیز بخاطر ضعف و هم جنین خیانت ارتشی و انحصار طلبی‌ها و خرابکاری‌های حربی است استبداد جودر جبهه و پشت جبهه موجود آمده است. در عین حال نا توانی و کژ اندیشی‌های نیروهای بسورژواشی و خرده بسورژواشی که در عرصه سیاست جامعه رهبری مردم را در دست دارند نیز مزید بر علت شده و راه را بر پیروزی شدن جنگ و برقراری وحدت ملی پراساس دموکراسی که ضامن پیروزی واقعی در جنگ است سد میکنند. به این دلیل خطر بزرگ یعنی خطر شکست در جنگ و فرا هم آمدن زمیننه‌های توطئه و تلاش‌های ارتجاعی دیگر هنوز موجود است و انقلابیون باید آماده باشند که نه تنها تا آنجا که میتوانند در دفاعت میهنی شرکت جوینند بلکه نیروها و مرتجعی کسه زمیننه‌ها را شکست شده بدراسه عنوان خائنین به ملت انگشت نما کرده و از سرکار کنار زنند. چرا که اگر این نشود حتی در صورتی که تلاش رزمندگان جبهه‌های نبرد و میهن پرستان در سراسر کشور بهین بست کنونی را بر عراق محکم تر نما بدو حتمی زمیننه اخراج قوای عراقی از میهن فراهم آید یا زیبایی پیروزی (اگرچه پیروزی است و شادی - سخن) اما میتوانند با دسیسه‌های ارتجاعی خطرناک دیگری

خبری از قزوین

در عصر روز چهارشنبه ۶۰/۱/۵ گروهی از اعضای بسیج مستضعفین که سیاه‌پا سداران هم از آنها حمایت میکردند طی یک سرنامه با زمان یا فته‌ای به بساط نشریه و کتا بفروشی گروه‌های سیاسی عمدتاً مجاهدین خلق حمله کردند و پوسترها و نشریات را پاره و کتا بها را ضبط کردند. این حمله با مقاومت گروه‌های مزبور و پیروشد که در نتیجه ۳۰ نفر از مجاهدین توسط سیاه‌پا سداران دستگیر و به زندان منتقل شدند. در زندان بعد از آزار و اذیت مجاهدین توسط سیاه‌پا سداران شریب یک اعدام نمایی به شش‌سوه جلادان ساواک داده شد که گلوسه به یکی از مجاهدین بنا نام صغر قدس میخوردم و منحر به شهادت وی میشود این عمل کریه و ضد مردمی سیاه‌پا سداران ما نفرت و تحقیر عمومی مردم شهر قزوین رو بسرو میشود و مردم در تشییع جنازه شهید نفرت کامل خود را نسبت به اینگونه اعمال ضد مردمی ابراز کردند و خواهان محاکمه و معرفی قاتل شدند. ضمناً وسعت عمل سیاه‌پا سداران و تاشیر سوشی که بر مردم داشت باعث شد که در تظاهرات روز جمعه پیروزی اسلامی بیست و دو هزار نفر شرکت نکنند.

دنیاال شود که در پایان این جنگ میهن ما را با خطرات بزرگتری دست به گریبان نماید و درست در این رابطه است که انقلابیون ایران باید هوشیار و آماده باشند و بر ضرورت ادا نه جنگ تا پیروزی یا فشاری کنند و در خاتمه جنگ هم خود را برای مقابله با دسیسه‌های نویسن و تلاش برای ادا نه انقلاب تسلیم پیروزی به میدان مبارزه طبقاتی نیاندازند.

حقانی در جده چه کرد؟

این است که آقای حقانی با اینها چه میگفته است که امروز در شرایطی که حزب جمهوری برنامۀ عوامفریبانه جدیدش را در مورد جنگ مطرح میکنند ایشان پس از یکماه خبرهای مربوطه را تکذیب میکنند و گروهی هپارابه شایعه پراکنی متهم میسازند. آیا این نیست که برنامۀ حزب جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ، سازشکارانه ترین و تسلیم طلبانه ترین برنامۀ ما بوده است و فعلاً مسکوت مانده است. آیا این نیست که حزب جمهوری اسلامی که امروز عوامفریبی میکند در شرایط مساعده مانده که در مورد لانه جاسوسی نشان داد سازشکارانه ترین برنامۀ های وطن فروشانۀ رابه ملت تحمیل خواهد کرد.

آقای حقانی آینه چون نقش تو بنمود است خودشکن آینه شکستن خطاست به گروههایی که حقیقت را گفته اند بدوبیرا نگویند!

خارجی ایران و جنگ ایران و عراق نررار خواهد گذاشت. در ضمن همین سخنکوا علام کرد که حجت الاسلام حسین حقانی نامه محمد علی رحائی را به تازۀ هزاده فهد بن عبدالمزین تسلیم خواهد کرد.

" روز ۲۹ بهمن ۵۹ آقای حقانی پیام آقای رحائی را به کفیل وزارت امور خارجه تسلیم کرد و بساوی گفتگو نمسود. روز ۳۰ بهمن ۵۹ آقای حقانی با حسیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی و عضو هیئت حسن نیت ملاقات نمود. (بنقل از گزارش سری هیئت آقای حقانی)

و جالب اینجاست که اینها هیچ یک روحانی نبوده اند و بالطبع بحث آقای حقانی با آنها هم نمیتوانسته بدور مسائل مقلبی بوده است. و شوال مهم

ضرورت صلح میگفت چرا و به چه انگیزه ای به جده رفت، قبلادری مفا لات مربوط به جنگ در " حقیقت " مورد بحث قرار گرفت. فته است. ایا از آنجا که همه سبب استمداران طبقات ارتجاعی دروغگو و کم حافظه میشوند، در رابطه با تکذیب ناخبرایشان که اتفاقاً همزمان با بیانیه های عوامفریبانه حزب جمهوری اسلام می مینی بر ضرورت ادامۀ جنگ تا محاکمه صدام انسانها رمیابند لازم دیدیم که چندخاطره سفر آقای حقانی را بیا دایشان بیاوریم:

" آقای حقانی روز ۲۷ بهمن ۵۹ وارد فرودگاه جده شدند و مورد استقبال معاون وزیر امور خارجه درجده قرار گرفتند. سخنگوی سفارت ایران درجده درهما موقع اعلام کرد که هیئت اعزامی به رهبری آقای حقانی، رهبران پادشاهی سعودی را در جریان سیاست

در هفته های گذشته حجت الاسلام حقانی نماینده مجلس که داستان سفرش به عربستان سعودی در اوایل برنامۀ ریزی های معروف به " سیاست هیئت حسن نیت کنفرانس اسلامی " در این تشریه برملا کردید، در روزنامه ها و همچنین از رسانه های گروهی قضیه ملاقاتش را در رابطه با مسئله سازش با عراقی تکذیب کرده و گفت که گروهها برای من حرف در آورده اند و من تنها در کشور عربستان سعودی با پاره ای از روحانیون ملاقات داشته ام!

اینکه حجت الاسلام حقانی در زمانی که آقای رحاشی در نماز جمعه نغمۀ سازش میخواند و حزب جمهوری اسلامی خط مارش را دنبال میکرد و ما بنده آقای رحاشی در هر محفل و بزمی سخن از قویتر شدن رژیم صدام و

مهدی علوی شوشتری کجاست؟

فروردین ماه امسال کنفرانس سالیانۀ ریاضی در دانشگاه اصفهان برگزار شد. در این کنفرانس دومین جایزه مسابقۀ ریاضی سال به مهدی علوی شوشتری، نابغه جوانی که سال گذشته به حکم جنتی فاشیت و اسرار حزب حاکم در حوزستان به نهادت رسید، تعلق گرفت.

در هنگام تقسیم جوایز ریاضی چندبار ناموی را خواندند و کسی نیامد، تا آنکه سرانجام یکی از اعضای هیئت علمی دانشکده ریاضی دانشگاه اوز برای دریافت جایزه به محل تقسیم جوایز مراجعه میکند. در این زمان یکی از حاضرین علت عدم حضور برنده جایزه را حویا مینماید، که در نتیجۀ این عضو هیئت علمی ناچار میشود توضیح دهد که این دانشجوی نابغه یعنی مهدی علوی شوشتری کسی است که در ارتباط با وقایع دانشگاه در سال گذشته اعدام شده است.

بگذار تا تعلق این جایزه علمی به این نابغه شهید مردم محروم ما چون تودهنی محکمی باشد بردها ن کسانی که به خاطر عدم تحمل اندیشه مترقی علم پاره اسلامی کردن دانشگاهها را تکان میدهند و تصور میکنند با کشت و کشتار میتوانند ارج و مقام علم را از میان برد و برجای آن خرافه نشانند.



حکومت قانونی

که ...

بقیه از صفحه ۱۳

امثال قدوسی و همکارانش در دولت و حزب و مجلسی که این لوایح قانونی مربوط به آنها را تصویب میکنند، نیست.

لیکن صدور این اطلاعیه و هلهله ای که روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی برای آن سر میدهد معنای حکومت قانون را در سال جدید روشن میکند، یعنی این واقعیت را روشن میکند که حکومت قانونی کسسه حکومت این آقایان باشد و حکومت این دا رودسته را قانونی کند، فرقی با حکومت محمدرضا شاهی ندارد.

پیام رویزیونیسم و خیانت فکاتی پیرامون پیام نوروزی چریکهای اکثریت

انقلاب (؟) حکومت جمهوری اسلامی (وحتما حزب جمهوری اسلامی که بخول ایشان خطا ما است) میتوانند در پی حل دشواریهای فوق برآیند.

و این همان چیزی است که هرگز با الفبای ما رکیسم دربارها تا نونمندیهای انقلابات در عصر امپریالیسم آشنا باشد، نه تنها بوی گنده تجدید نظرطلبی (رویزیونیسم) در علم انقلاب بلکه جای پای آقای برژنف و اولیا نفمکی و شرکاء یعنی سرمداران کرملین را در آن احساس میکنند.

آخرمگر این نیست که رسالت رهبری انقلاب تا پیمای روزی بدون طبقه کارگر است؟ مگر قرار نیست آقایان "لنینیست" بدانند که حل آن دشواریهای ذکر شده تنها توسط یک رهبری انقلابی کارگری و متکی به اتحاد کارگران و دهقانان میسر باشد؟ چریکهای "اکثریت" جواب میدهند خیر! وظیفه ما ایجاد اعتماد نسبت به تواناییهای حکومت جمهوری اسلامی در میان توده مردم است!

اما ذکر یک نکته مهم در حاشیه بحث ضروری است: فرمولبندی رویزیونیستی فدائیان "اکثریت" در جمله بندی فوق تنها ظاهر قضیه است و در باطن و در زیر آئینه "هنوز" ها و "همچنان" ها دروغ بزرگی را استوار کرده اند. و آن اینکه "اکثریت" بسا عدم طرح مسئله تسلیم طلبی های حزب جمهوری اسلامی به امپریالیسم (از جمله در مسئله گروگانها) و همچنین با پرده پوشی این مسئله بسا رهنم که رهبران حزب استبداد دجوی جمهوری اسلامی در حاشیه ما یک نیروی ارتجاعی بوده و هر روز بیشتر بسوی ابرقدرتها متمایل میشوند، مردم را عریب میدهند. آنها بخاطر مفاصل "سیاست خارجی" و سیاست داخلی به مصلحتشان نیست که به مردم بگویند که در سال گذشته نه تنها انقلاب هنوز به پیمای روزی نرسیده است بلکه بخش مهمی از حکومت جمهوری اسلامی و بخصوص حزب استبداد همیشه در جهت شکست انقلاب گامهای بلندی برداشته است، اگرچه هنوز موفق نشده و سه برکت تلاش خلق هرگز هم موفق نخواهد شد.

سرگردیم بر سراسر اصل مطلب و ببینیم که آقایان "اکثریست" چگونه میخواهند "انقلاب" را بیروزگردانند و چه راهی پیش پای ملت میگذارند.

در زمینه سیاست داخلی نمونه‌هایی توجیه است. "اکثریت" در جاره جویی خود برای مسئله "آزادیهای سیاسی در جامعه" در برنا مه خود چنین میگوید:

"آزادی سیاسی نیروهای مردمی همانگونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده تا بسن و تضمین گردد."

آنکه حزب جمهوری اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی در سال گذشته نتوان داد که به قانون اساسی مصوب خودی هم پایبند نیستند و واقعیتهای این واقعیت را نیروهای انقلابی از همان موقع تصویب این قانون دوپهلوی فریبکارانه تصریح کرده بودند. اما آنکه مبارزه ما با بد برای آزادیهای سیاسی تنها به محسوده "تضمین اجرای این قانون اساسی" بقیه در صفحه ۱۰

رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) که در سال گذشته آخرین قدمهای خود را بسوی منقلب ارتداد و خیانت طبقه کارگری و ملی برداشت و کاملاً در غرقاب سازشکاری و مبدل شدن به یک دارودسته وابسته به قدرت شوروی در مملکت ما غوطه ور گردید، به مناسبت مبارکی یا بان آن سال بر بار و برنا مسه ریزی رفتار خود در عرصه سیاست سال آینده بیایمی خطاب به مردم ایران منتشر نمود. در پیام نوروزی "اکثریت" آمده که در سال گذشته گویا انقلاب ما پیروزیهای فراوان بدست آورده است!

"هنوز میانسوسها هم همین زحمتکشی ما با گرانگی کمزگرکن و بیکاری دست بگیریم بنده طبقه کارگر و رهبران... هنوز در فقر و تنگدستی و بیکاری بسر میبرد و هنوز به حداقل دستمزدی که بتوانند معیشت او را تامین کند دست نیا فتمه است. میلیون ها دهقان... هنوز به خواسته های عادلانه خود نرسیده اند. کسبه و پیشه وران، کارمندان، معلمان دانش آموزان و دانشجویان، پرسنل ارتش و دیگر افسران و گروههای مردمی که هر یک سهم خود در انقلاب را شرکت داشته و دارند... هنوز به بسیاری از مطالبات عادلانه خود نرسیده اند. آزادیهای سیاسی که زهدت های مهم انقلاب... بوده... هنوز تا مبن و تضمین نشده است. امنیت شغلی و قضا بی مردم هنوز در معرض خطر قرار دارند. برای مردم از هر مفیده و از هر مفیدی در برار قانون ضمانت اجرایی پیدا نکرده است. مسئله ملی در کردستان... همچنان لاسحل مانده است. تجارت خارجی و نیز برخی صنایع بزرگ هنوز ملی نشده اند." و با اسنهم "هنوز" ها و همچنان "ها که سقای ارتجاع و سرما بسد داری وابسته و بقایای فئودالیسم، را در حاشیه ما گواهی میدهد. هر آدم نسبتاً تا قل و بی غرضی این نتیجه را میگیرند که پس حاکمیت پس از انقلاب از اجرای خواسته های انقلاب نا توان بسوده و در سال گذشته هم این ناتوانی را به نمایش گذاشته است. اما چریکهای توده ای "اکثریت" از این مسئله نتیجه دیگری میگیرند و آن اینکه گویا این حاکمیت میتوانسته و میتوانند در جهت حل تمامی این مسائل گام بردارند و آنها را رفع کنند و فقط بسه دلالتی "هنوز" این کار را انجام نداده است!

چنانکه بلافاصله میبویسند:

"و مهمتر از همه اینها آنکه هنوز این اعتماد در مردم با نگرفته است که حکومت جمهوری اسلامی و نیروهای خط اما مکه نیروهای فدائیمبرالست و ملی اند، با اتخا سب سیاستهای خارجی و داخلی منطبق با مصالح انقلاب میتوانند در پی حل دشواریها و ضعف های فوق برآیند." (تا کیدان آزما ست)

و این است همبندی مسئله "اکثریت" توده ای در شرایط کنونی: هنوز... نشده است، اما ممکن است بشود و ما بسبب و دشواریهای حل بشود ولی افسوس که مردم اعتماد نمیکنند که در طریق سیاست خارجی (؟) و داخلی (؟) منطبق با مصالح

پیام

روزیونیسیم ۰۰۰

بقیه از صفحه ۹

اكتفاء كند از همان سوع حرفیایی است كه حزب بسوده در دوران استبداد محمد رضا شاه میزد و اكنون آقایان " اكثریت " در عهد استبداد كری بهشتی و دارودسته و حزبش با آن همتوایی نشان میدهدند. و جای تعجبی هم نیست! جای تعجب اینجاست كه ایسان زشكاران كسانی هستند كه گویا به این قانون اساسی هم رای نداده اند. . . . و البته حتما پشیمانند! باز در این باب توجه به آن واژه " نیروهای مردمی " برای خواننده ها نیز اهمیت است چرا كه با شناختی كه ما از زمان چریكهای " اكثریت " داریم و سیر تفقرا بی آن در سال گذشته نشان میدهد و همچنین با توجه به تجارب بین المللی این قماش جریانها ، نه تنها من و شما ای خواننده بلکه تقریبا هیچيك از سازمانهای انقلابی جامعه ما در چارچوب نیروهای مردمی نمی گنجند (به صحبت های اینها در مورد سازمان مجاهدین و گروههای چپ كه در " مردم " و " كسار " منعكس میشود توجه كنید) . و تازه ما توجه به این مسئله كه مردم افغانستان و كركران لیستان هم بزعم اینها ضد انقلابیند روشن است كه تكلیف مردم ایران چیست و چه بسا مردم ایران هم تحریك شده توسط گروههای " چپ آمریكایی " و " روحانیون ارتجاعی " باشند و دیگر " نیروی مردمی " نباشند! یعنی با رد دیگر رویز - یونیسم و سازشكاری رسما و علنا اعلام میشود و در واقع راه بسرای استبداد و وابسته به روس هموار میگردد .

و اما بر نامه ۹ ماده ای چریكهای فدایی " اكثریت " در ارتباط با مسئله جنگ هم نکات حائلی دارد .

" اكثریت " در جنگ مردم ایران بر علیه تحا و ز عراق ظاهر ا طرف ایران را گرفته است اما چنانكه ما قبلا هم گفته ایم آنها در این رابطه در واقع مبلغ یا سفیسم و صلح طلبی تسلیم طلبانه بوده اند . در این بر نامه بطور مشخص فضا به چنین مطرح میشود كه با بیدر عین جنگ با عراق مذاكرات صلح آغا زشود آنها میگویند :

" اعتقاد داریم كه بیكارمضا و مت ، ما دام كه تحا و ز كركران در میهنمان حضور دارند با بدبا نا طبعیت هر چه تما منبر ادا ما باشد . اما اعتقاد داریم كه در كنار چنین بیكارر عادلانه ای همه اشكال مبارزه در راه دفع تحا و ز و استقرار صلح ، از جمله مذاكره صلح را با بیدكار كریم . "

و در اینجا مذاكره صلح بهیچوجه سوط به اخراج قوای عراقی از میهن ما نمیشود بلکه مذاكره صلح با رژیم صدام در كنار نپكارر بنا منجا و ز یعنی در شرایطی كه قوای عراقی در ایران هستند مطرح میشود و این بهروایب حكومت جمهوری اسلامی مورد علاقه " اكثریت " هم با تمام جناحهایش معنای دیگری مكرسا زشكاری ندارد . در اینجا فدائیان " اكثریت " بوی تسلیم طلبی حزب جمهوری اسلامی را شنیده اند و از فرصت استفاده کرده میخواهند بر نامه برزنف را در مورد این جنگ بیاده كنند . بیخود نیست كه فدائیان تا كید میكنند كه ابتدا مذاكرات صلح با سد در دست دولت ها و نیروهای ترقیخواه جهان و منطقه باشد (كه حتما در راه اینها هم شوروی امیریا لیستی و كازگزاران هستند .) می بینیم كه باز " اكثریت " علنا با سفیسم و تسلیم طلبی را

زسركانه مطرح میکنند و از طرف دیگر برای امتیاز دادن به امپریالیزم شوروی در این سلیشوی منطقه خلیج تلاث مینمایند . البته شایان ذكر است از وقتی كه سیاست حزب جمهوری ظاهر بر عوام - فریبی در مورد سازش نا پذیری با بعثت و راهپیمایی تا كربلا و غره منگی شده است ، " اكثریت " دچار تناقضی شده و ناچار ا در " كار " ۱۹ فروردین ، مصوبه شورای دفاع مبنی بر خروج نیروهای ارتش تجا و ز كاز عراقی بعنوان شرط آغاز مذاكرات صلح را تا كید کرده است . اما این دراصل مسئله كه اینان قیسل از بر نامه جدید حزب جمهوری اسلامی آمده بودند در عین وجود نیروهای عراقی در ایران بر ضرورت مذاكره صلح تا كید كنند تعیینی نمی دهند .

و اما شا هكار " اكثریت " در رابطه با جنگ و صلح در جمله است ایست كه مینویسد با بید

" صلحی برقرار شود كه ما من استقلال و تمامیت ارضی . . . دو كشور بوده و خواسته های عادلانه خلقهای ایران و عراق و نیروهای ترقیخواه دو كشور را تا مین كند . "

و این قطعا يك شاهكار دبیلمانیست! از يك طرف میان رژیم عراق با ایران با بید صلح بشود و از طرف دیگر این صلح با بیدضا من استقلال و بر آورد خواسته های عادلانه نیروهای ترقی دو كشور باشد . و معنای دو پهلوی جمله فوق را جدا با بیدر كلاس های سیاست بازی رویونیستی تدریس كنند .

از يك طرف میتوانند بگویند كه رژیم صدام همه منظور ك برزنف گفته رژیم مستقلى است و فقط این جنگ با ایران است كه استقلال و ترقی آن كشور را در خطر انداخته بنا بر این اگر صلح بشود این صلح میتواند ما من استقلال عراق باشد و نیروهای ترقی عراقی هم مبارزه را تعطیل كنند . (و این حرفی است كه " اكثریت " حتما در جلسه با احزاب برادرمیگویند) . از طرف دیگر میتوانند بگویند كه رژیم صدام وابسته است و صلحی كه بخواهد ما من استقلال و ترقی و " بر آورد خواسته های عادلانه نیروهای ترقی " عراق با شد به معنی سرنگونی رژیم بعثت است و نقشه جنگ تا سرنگونی صدام بعثت درست میباشد . (و این حرفی است كه " اكثریت " حتما در جلسه با ساداران و یا حتی در جلسه با آقای بهزاد نبوی میگوید) . و اینجا ست كد شاهكار دبیلمانیست و رویونیستی آشكار میشود .

اما ما كه متاسفانه از این شگردهای ما هرا نه چیزی نمی دانیم! و نمی خواهیم فرابگیریم! صریحا میگوییم كه جنگ ایران و عراقی در واقع جنگ با رژیم ارتجاعی و وابسته است كه بسه تحریك و نقشه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما یورش آورده است به این خاطر دفع این جنگ معنایی مگر پیروزی در این جنگ یعنی اخراج نیروهای تجا و ز كاز عراقی ندارد . " صلح " پس از این پیروزی چه قبل و چه بعدا ز سرنگونی رژیم بعثت بهر حال نمیتواند " ما من استقلال دو كشور و بر آورد خواسته های عادلانه خلقهای دو كشور باشد . " انتخاب و خواسته عادلانه نیروهای ترقیخواه عراقی سرخلاف نظر مسكوكا رگزاران سرنگونی رژیم بعثت عراق است و این تنها با مبارزه خلق برادری عراقی تا مین میشود . همچنین تضمین استقلال ایران هم سوط به ادا ما مبارزه خلق ما بر علیه اسفدرتها و خائنین و تسلیم طلبان داخلی است و حتی نمی توانند صرفا محصول بلا واسطه پیروزی در این جنگ باشد . و بسرای آقایان " اكثریت " متاسفیم كه مبارزه استقلال طلبانه ایران بهر صورت ادا ما دارد! ضمنا این نكته را هم بگوئیم كه معلوم می شود حرف دل آقایان " اكثریت " در واقع همانی است كه بنا احزاب برادرمیگویند!!!

بالاخره ترجیح بندبرنامه‌ها زمان " اکثریت " کدالحق در سال گذشته بر روی آن با فشاری کافی داشته‌اند اما سال هم آنرا موش‌نخواهند کرد در بخش مربوط به مسئله سیاست خارجی شرقیخواها نه منعکس میگردد. ایشان مینویسند:

" امروز اتحاد سیاست خارجی منطبق با مصالح و منافع انقلاب مسئله حیات انقلاب ایران است. ما تا رسیدن به مرحله خودکفایی نسبی صنعتی و کشاورزی و غیره راه‌درازی در پیش داریم. برای ایجاد صنایع زیربنائی و دیگرگونی‌های اساسی در وضعیت کشاورزی ... باید از آخرین دستاوردهای امروز جهان و از پیشرفته‌ترین ابزاررفنون صنعتی جهان بهره‌گیری از صنایع پیشرفته و سایر ابزاررفنون صنعتی و کشاورزی پیشرفته جهان امروز، بگونه‌ای که ما من تحکیم استقلال و آزادی مبین ما و تداوم و تعمیق انقلاب با شد بگونه‌های که منافع و مصالح کارگران و زحمتکشان و همه قشرهای دیگر مردم مبارزان در نظر داشته باشد، فقط از طریق هم‌کاری متقابل با کشورهای سوسیالیستی جهان مینواند تا مین گردد و فقط از این راه است که میتوان با بلطیده امپریالیسم و هرگونه وابستگی مقابله کرد. ... سیاست خارجی منطبق بر مصالح توده‌های مردم سیاست گسترش روابط با دول سوسیالیستی جهان امروز ضرورت حیاتی انقلاب ما است. " (تاکیدات از ما است)

و این پیام اصلی چریکهای " اکثریت " است. این آن عشق سوزانی است که چریکهای " اکثریت " را در عرصه سیاست ایران به تنگاپووا مبداء و در حقیقت شاه بیت بر نامه سال آینده آنهاست. بدون اتکاء به اردوی شوروی امپریالیستی، بدون وابستگی، استقلال ممکن نیست! به شوروی اتکاء کنید، به شوروی وابسته شوید تا ما شما را مستقل کامل و بی عیب و نقصی بدانیم! این است پیام چریکهای " اکثریت " به حکومت جمهوری اسلامی. و این است آنچه آنها مردم را به مبارزه در راه آن فرا میخوانند و میخواهند رژیم را وادار به اصلاح خود در آن مسورد کنند! در جواب این نکته ما قبلا بسیار نوشته‌ایم. هر چند که مبارادوری مسترد در این حمله را ما سارها مورد بحث قرار داده‌ایم. و عواقب این تحلیل‌ها را که معنی آن تلاش در جهت انقباض ایران به کرد و به امپریالیستی است ما در صفحات " حقیقت " با رها مورد بررسی قرار داده ایم و از این بین چنین خواهم کرد. اما در اینجا فقط به جمله‌ای ارضی رسیدیم تا فاسم صراف را ده که در سال گذشته جان در راه استقلال میهن و دفاع از انقلاب گذاشت بسنده میکنیم تا آما بیان " اکثریت " بدانند ما آنها و کمونیسم در ایران چه فاصله عظیمی افتاده است! فاسم صراف زاده سال گذشته در اعلامیه‌ای خطاب به اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق جنس نوشت:

امروزه که مردم ما با امپریالیسم جهانخوا را آمریکا طسرف هستند، هستند کسانیکه شوروی را کشوری سوسیالیستی و انقلابی و حامی انقلاب ما معرفی میکنند. حزب توده

ایران منبع اصلی چنین تبلیغاتی است و رهبری سچفا نیز بر چنین راهی گام نهاده است.

" امروزه دگرزمان آن فرار سبده که تمامی اعضا و هواداران سچفا یک جمعیندی اصولی و همه‌جا نیسنه از گذشته بنمایند. یکی از ویژگی‌های مشی چریکی عسدم اتکاء به توده بود. و امروزه تسلط بر سازمان امر عمدتاً به توده برای پیشبردا انقلاب و در عوض محمولات ابرق قدرت روس شدن است. یکی دیگر از ویژگی‌های مشی چریکی، باورنداشتن به مرزبندی ایدئولوژیک بود و تسلط بر سازمان این امر فقدان یک مرزبندی قاطع با رویزیونیسیم و ضد انقلاب در سطح ملی و بین‌المللی بود که امروزه به شکل کرنش در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی بروز کرده است.

" رهبری سچفا کما نیرا که در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی موضع دارند متهم میکنند که در مقابل امپریالیسم تزلیل دارند، حال آنکه اینان خود در واقع در مقابل یک ابر قدرت امپریالیستی تزلیل دارند.

" رهبری سچفا موضعگیری ما در مقابل سوسیال امپریالیسم روس را مخدوش کردن مرز بین سوسیالیسم و امپریالیسم می‌نامند و حال آنکه خود با سوسیالیستی خواندن شوروی مرز بین سوسیالیسم و امپریالیسم را مخدوش میکنند. و دریای حونی را که بین ما رگسیم - لنینیسیم و رویزیونیسیم، بین شوروی دوران لنین و استالین و شوروی خروشچف و برژنف و کاسیگین موجود است نمی‌بینند. رهبری سچفا موضع ما بر علیه سوسیال امپریالیسم را دال بر " سه‌جانی " بودن ما میدانند و حال آنکه در اصل مرزی بین سه‌جانی چین و رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم موجود نیست، تفاوت تنها در بند زما - نی موجود است.

" رهبری سچفا امروزه با تبلیغ اینکه شوروی دوست انقلاب ما است میکوشد یکی از ویژگی‌های انقلاب ما تمام ما را که همانا اتکاء به نیروی لایزال توده‌ها بسود از آن بزدان‌دوان بن خطرناک است. ما در مبارزه پرشکوه فعلی بر علیه امپریالیسم آمریکا عمیقا معتقدیم

جامه‌های کونشود فرقه بخون بیرون وطن بدر آن جا مه که ننگ تن و کم زکفن است. و اما در این مبارزه هساریم که امپریالیسم شوروی از در دیگر وارد بسود چرا که

خانه‌ها و کوسودا ز دست اجانب آسود را شک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است ... کمونیستهای ایران ننگ دارند که روسیه گنونی راکشوری سوسیالیستی بنا مند.

" کمونیستهای ایران ضمن بر اصرار شدن پرچم مبارزه علیه امپریالیسم جهانخوا را آمریکا با سوسیال امپریالیسم روسیه نیز مرزبندی قاطع داشته‌اند و از زده نفوذی و عملش را بدرون حنیس نمی‌دهند. " (۲۹ خرداد ۵۹)

و در سالی که گذشت و سالی که می‌آید، رهبری چریکهای " اکثریت " هر روز بیشتر از روز پیش در سلگ توربا غه‌های خروشچی درآمده و در می‌آید. و دیگر جای تاسف نیست! " اکثریت " توده‌ای شده است و بر نامه شوروی را

بودند قدرت خود را با اعضایی بکبار چدهمزمان در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ به شما بش بگدا رید. سرمایه داران و عواملشان که ساز این حرکت به وحشت افتاده بودند، فعلا لیبتهای شلیبعا نی بسیار زیاد می کردند تا بلکه بتوانند میان کارگران تفرقه افکنسی کنند. آنها از همان ابتدا شما مطبوعا نشان را سخدمت گرفته بودند که ایسکا را به حاجی ها و صفا جریسی ویا کمونیستها نسبت دهند و از بسطریبی در میان صفوف کارگران شکاف سیاندا زینسد، اما موفق نشدند. همه خود را برای اول ماه مه آماده میکردند و کارگران اشعار و سرودهای زیادی برای این روز ساخته بودند که مدام توسط کارگران زمزمه میشد. هرچند اول ماه مه نزدیکتر مستد صفوف کارگران متحد و نیروها را سرمایه داران نسبتا سر مکشت. آنها از هیچ توطئه و فتنل و یا ربودن رهبران جنبش کارگری فروگذار نمی کردند، اما هیچکدام از این کارها در حرکت کارگران ناشیری با نی نمیکذاشت. و جنب آنها تا بدان حد رسیده بودند که در مطبوعا نشان میکفند، اول ماه مه در واقع تکرار واقعات ریخی کمون پارسی خواهد بود.

هیچکدام از توطئه های سرمایه داران موفق نشده بود. هرچند اول ماه مه نزدیکتر میشد، کارگران بیشتری از طریق سبک گزاری میسنگ ویا صدور قطعنامه ویا تشکیل کمیتهای ویرگزار می مراسم جنسی، همبستگی خود را با این تصمیم اعلام میکردند. ایسکا رها و این تا کنیک ها بخصوص در مدت دو ماه مانده به اول ماه مه ۱۸۸۶ بسیار رشد گرفت. ایی حرکت بخصوص در ایسکا گواز همه ها وسیع و عمیق تر بود بطوریکه همه کارخانجات در این شهر که یک مرکز کارگری بود قطعنامه کرده بودند که اگر تا قبل از اول ماه مه ساعات کار به ۸ ساعت کاهش نیابد دستها عصبان خواهد زد. بالاخره روز اول ماه مه فرا رسید. در نما شهرهای آمریکا کارگران با اعتصاب کرده بودند ویا اینکه حسن ها شعی سرش داده بودند. شهر ایسکا بخصوص کاملا بحالت تعطیل در آمده بود و همه کارگران با نشان خاواده ها ستان بس برای برگراری حسن همبستگی بدخیا با نیا ریخته بودند. این روز در میان جسی و سرور کارگران با بیان بافت اما در واقع خسود سموان تجربه ای سوسن در مبارزات کارگری سر آغاز دوران جدیدی از مبارزات بود. در یکی از کارخانجات در شهر ایسکا گوا، سلیس از حرکت کارگران جلوگیری کرده بود و کارگران تصمیم گرفتند در روز بیجم ماه مه مستسکی در اعتراض به این حرکت ترتیب دهند.

نقش بسیار موفوری در سازماندهی مراسم اول ماه مه داشتند. نماهای پارسونز، اسازن، فیشر و نجل دستگیر و سپس اعدام نمودند. آنها با این عمل بخیا ل خود جنبش کارگری را متلاشی نمودند اما واقعیت چیزی غیر از این بود. تجربه اول ماه مه راه سوبنی را به کارگران نما با نده بود و کارگران تصمیم گرفتند سرود بیهمین شیوه بمسارزه خود برای کاهش ساعات روز کار ادامه دهند. تشکیلتهای کارگری در میسنگی در سال ۱۸۸۸ در ادامه این مبارزه تاریخ حرکت بعدی را روز اول ماه مه ۱۸۸۹ اعلام نمودند.

در این زمان خیرات و کم و کیف آن به اروپا رسیده بود. کارگران اروپایی پس از مطلع شدن از جریان این مبارزه تصمیم گرفتند به آن بپیوندند. سرمایه داران نه تنها نتوانسته بودند این حرکت را در آمریکا عقیم سازند بلکه این مبارزه و مهمتر از آن مسئله همبستگی کارگران در یک مبارزه به اروپا نیز گسترش یافت. بدین ترتیب قرار بر این شد که کارگران تمام کشورهای اروپایی نیز همزمان با کارگران آمریکا در روز اول ماه مه ۱۸۸۹ بر سر خواسته هشت ساعت کار به مبارزه برخیزند. و در این روز کارگران تمام این کشورها از طریق جشنها و میتینگ ها و تظاهراتها نی همبستگی خود را در مبارزاتشان با یکدیگر اعلام نمودند. از آن پس این روز بعنوان روز جهانی کارگری در سراسر دنیا باقی ماند.

از آن تاریخ بد بعد کارگران جهان شاهد تجربیات بسیار گرانقدر و ارزنده دیگری بوده اند. هر یک از این تجربیات در نقطه ای از دنیا و از درون مبارزات متحد و عظیم و طولانی کارگران بیرون آمده است. اما اول ماه مه در شما ما این مبارزات و تضییات نوسن جا سگا وجود را حفظ نمود و آنچه تغییر کرد مضامون مبارزه و خواهسته های کارگران بود. کارگران خواهسته های سیاسی و طبقاتی خود را جلونیا دند و حتی در مناطقی از دنیا تحت رهنمودهای آموزگار ان خود چون ماکس، انگلس، لنین، استالین، ما شوتسکون به سرگوسی دشمنان طبقاتی خود و با حتمان سوسا لیم دست یافتند. و در شما ما این مبارزات و کوششها با اول ماه مه را گرامی داشتند. با اول ماه مه صرفا ۸ ساعت کار و اعتراض به شهادت هندکارگر مبارز و... نبود بلکه لزوم مبارزه متحد و یکپارچه کارگران در راه رسیدن به خواهسته ها بنان بود و لزوم همبستگی صفوف کارگران علیه غم هر شیوع نفا و بظا هری چون رنگ و جنس و مذهب و ملیت تا بتوانند در برابر دشمن واحد خود قد علم کنند. از آن سروس که سرمایه داران در تمام کشورهای دنیا هموار سعی داشته اند که نظریاتی این روز کنار بگذارند ویا تغییرین روز دیگری بعنوان روز کارگری، بتدریج این روز ویا ماش بدست فراموشی سپرده شود. اما همه این کوششها عبث و بیهوده بوده است. سنت مبارزاتی این روز تاریخی سل بسسل تا به امروز ادامه یافته و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

استفایل وسیع کارگران در مبارزات اول ماه مه سرمایه داران را بفرانداخته بود. بهر ظرفی شده جنس کارگری را غنث سنا سد ویا حداقل ره خود را بریرسد و برای ایسکا ر بدنیال فرصت میکشند. آنها نخواسته بودند در روز اول ماه مه کاری بکنند و چشم به میسنگ اعتراضی کارگران در روز بیجم ماه مه در محله هی ما رکست ایسکا کود و خندند. آنها در ایسنگ ابتدا بمیمی منتحر کردند و بعد به بیانه جلوکبری از اغشانی به صفوف کارگران محله برده و پی اسیراننداری بطرف آنها در تکمیل توطئه خود چها رسفر از رهبران جنبش کارگری این کشور را که

پیام روزیونیسیم

بقیه از صفحه ۱۱

در ایران بساده میکند. برای کمونیستهای اسران مجموعه نظراتی که " اکثریت " مدانیان تبلیغ میکنند جز نفرت احساس دیگری را بر نمی انگزد. جوانان گمراه شده ای که بدن بسال رهبران خیاست بیسه اسن سازمان افتاده اند یا بدخود آیند و حساب خود را از انسان جدا کنند!



نکاتی چند برای رفقای که
سؤال میفرستند:

رفقای عزیز، سئوالات شما که اکثرا به مسائل سیاسی مبرم ایران و جهان مربوط میشود، هر هفته بدست ما میرسد. پاره‌ای از رفقا ضمن طرح سئوالات پاره‌ای سئوالاتی را که قبلا در این صفحات پاسخ داده شده مجدداً طرح میکنند و پاسخ مفصلتری را میطلبند. البته بدیهی است که پاسخگویی مختصر در این صفحه نمیتواند تمامی جوانب مسائل مطرح را بشکافد و توضیح دهد و بسیاری از سئوالات نیازمند مقالات و چندین کتابهاست که نمیتواند واقعاً مسئله را تحلیل نموده و پاسخ گوید. اما عده‌ای از رفقا هم انتقادات درستی را در رابطه با پاره‌ای از پاسخ‌ها مطرح کرده‌اند که ما خواهیم کوشید از این پس آن را جبران کنیم. برای بهبود کار بخش پاسخ به خوانندگان نیازمند ارشادات رفقا هستیم. در همین حال تقاضا میکنیم سئوالات خود را روی کاغذ جداگانه یعنی جدا از نامه‌های داخلی - پیشنهادات - گزارشات و غیره ارسال دارید تا کار رسیدگی به آنها آسانتر باشد. در طرح سئوالات حتماً نام مستعار استفاده کنید و کوشش کنید که سئوال شما روشن و صریح باشد. چرا که با رها شده است سئوالی را ما پاسخ گفته‌ایم و آنکه رفیق پرسش کرد در نامه‌ای دیگر خطاب به ما منظور خود را دقیق تر کرده و گفته است که پاسخ ما به سئوال، منظور او را از طرح سئوال برآورده نمی‌سازد. بنا بر این خواهش میکنیم بخصوص در مورد سئوالات سیاسی - تحلیلی کوشش کنید سئوال خود را بصورت موجز دقیق و صریح مطرح کنید و مطمئن باشید که طرح دقیق یک سئوال اساسی خودبخود مهمی از رسیدن به پاسخ در آن مورداست. در همین حال لازم به تذکر است که تعداد بیشماری سئوال برایمان ارسال شده است که بهتر است به آنها پاسخ داده خواهد شد. طبیعی است که سئوالات مشابه بصورت یکجا و تیز بسته به اهمیت سئوال و آمادگی ما برای پاسخ دادن، اولویت‌های این

ستون تعیین می‌کردد.

دربارهٔ کرهٔ شمالی

تعدادی از رفقا از جمله رفیق ع - ۲۱ - الف در مورد جواب مربوط به کرهٔ شمالی که در ستون پاسخ به خوانندگان در هفته‌های گذشته مورد بحث قرار گرفته بود انتقاداتی مطرح کرده‌اند. اشتقاقات رفقا عموماً بدور اینست: ما لاه دور میزند که چگونه کرهٔ شمالی بدون اینکه تحقیق کافی در مورد ساختار سیاسی لیسم در مواضع داخلی و خارجی آن ارائه گشته باشد بعنوان یک کشور نوپا - لیستی ارزیابی شده است. در جواب این رفقا با دیدگوشیم که همچنانکه ما در همان پاسخ مورداشارهٔ شما تصریح کرده‌ایم تحقیقات و اطلاعات ما دربارهٔ چگونگی ساختار سیاسی لیسم در جمهوری دموکراتیک خلق کره محدود است. این محدودیت اطلاعات تا بطبع از استحکام موضوعگیری ما در مورد این کشور بسیار کاهش است. در مورد مسائل داخلی و خارجی این کشور ما نظر خود را در مورد پیشینه‌ی از جمهوری دموکراتیک خلق کره برای برقراری وحدت دو کره اعلام کرده‌ایم و از مبارزات خلق و دولت این کشور برای حفظ استقلال خود - شان در برابر امپریالیستهای رنگارنگ حمایت میکنیم. در عین حال ما انتقادات خود را از مواضع میانگرا نه کرانهٔ کره شمالی در مسائل بین المللی و همچنین گرایشانی که تحت عنوان کیم یسل - سونگیم در این کشور فرموله شده است ابراز کرده‌ایم. تحقیقات ما در این مورد کافی نیست. کرهٔ شمالی در سالهای ۵۰ و ۶۰ بعنوان بخشی از جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی توسط احزابی مانند حزب کمونیست چین برهبری ماژوتسه دون، حزب زحمتکش و بتنام برهبری هونی میسن و حزب کارآلبانی بزمسبت شناخته شده است و ما شواهدی در دست نداریم که در این کشور آزاندوران تا کنون تغییر کیفی روی داده‌اند. بنا بر این اساس عوامل جنس کمونیستی در آندوران ما هنوز کرهٔ شمالی (جمهوری دموکراتیک خلق کره) را یک کشور سوسیالیستی میدانیم و می‌کوشیم

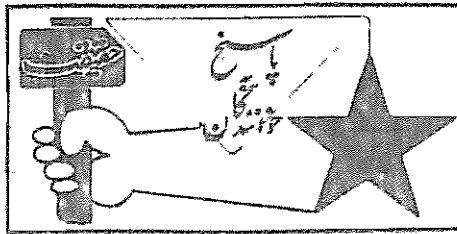
تا با تحقیق بیشتر در این مورد و تا آنجا که توان داشته باشیم موضع خود را در این مورد تدقیق کنیم.

* * * * *

فریدون تهران مینویسد:

"بعد از درود و سلام، با توجه به اینکه مدت‌هاست این نشریه را مطالعه میکنم و صحت و درستی مطالب و تجزیه و تحلیل‌های آن و خط‌سازمانی اتحادیه برایم مشخص است و آنچه برای من روشن نیست چگونگی پیدایش اتحادیه و تشکل آن بصورت یک سازمان انقلابی میباشد. چنانچه در این مورد بمن پاسخ‌ها و راهنمایی داده شود ممنون خواهم شد."

پاسخ: از حسن ظن شما ممنونیم. اتحادیهٔ کمونیستهای ایران تا سالهای انقلاب (۵۷ - ۱۳۵۶) اساساً ادامهٔ جریان نی بود در خارج بنا بر سازمان انقلابیون کمونیست (نشریهٔ "کمونیست") که پس از وحدت با تعدادی از اعضای گروه فلسطین در خارج این نام را بر خود نهاد و از این پس به انتشار نشریهٔ "حقیقت" پرداخت. این دورهٔ فعالیت اتحادیه به انتشار نشریه و جزوات شورایی و سیاسی، کار در میان دانشجویان خارج و گسیل تعدادی از ایشان برای فعالیت در ایران، فعالیت‌های مختلف در منطقه خاور میانه و خلیج و تلاش برای انتقال افراد خود به داخل کشور خلاصه میشد و در اینباره انتقاداتی بخود داشته که به شما ارسال شد. شما رهٔ ۲۸ نشریهٔ حقیقت آمده است. اتحادیه در جریان انقلاب کلا وارد ایران گردید و وضع آنکه بخشی از اعضا پیشین آن از آن مشعب شدند (گروه "زحمت" و بعدها یکی از هشت گروه مؤتلفهٔ "وحدت انقلابی") بطور پراکنده در جریان انقلاب شرکت جست و همچنین نخستین شورای سالانهٔ خود را در ایران برگزار کرد (که میشود دومین شورای رسمی). پس از آن دو گروه از جریانهای مارکسیستی داخل کشور بنا بهای "گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقهٔ کارگر"، و "کارگران مارکسیست - لنینیست جنوب (رزم خونین)" با اتحادیه وحدت کردند و اکنون اتحادیهٔ کمونیستها محصول وحدت چهار جریان است که به ترتیب نام برده شدند. همچنین پس از برگزاری شورای سوم اتحادیه در سال گذشته چند تن دیگر از اعضا پیشین این سازمان نیز اشعاب کردند، که اخیراً کتابی نیربنا م "اختلافات ما" انتشار داده‌اند. (بفیه در صفحه ۱۴۴)



حاشی از طرف ما اصطلاح نظام سرمایه داری وابسته بکار گرفته مقصود همان رسته هائسی ارضایع و با بکداری و شرکت های دلالی و غیره است که با صدها بنده انحصار را بین المللی و موسسات سوسیالیزم و کشورهای امریکایی متصل بسوده و وسیله ای برای غارت کشور ما میباشد؛ با اعتبار دنگرت آن بخش از موسسات سرمایه داری که از طریق قرار دادها شرکت در سرمایه داری و مذاخل و با تصورات نوشتار و غیره به موسسات امریکایی و انگلیسی و غیره ایجاد آنها نیز به جنب شوروی و سایر کشورهای امریکایی و سایرین و شرکای بوسمان میرود.

ضمنا همین رفیق تقاضا کرده است که: "بعلت کمبود امکانات بخش نشریه در سطح جنبش خواستار این هستیم که موضع سازمان در مورد حزب جمهوری اسلامی و بررسی با بکار طبقاتی آن و چگونگی مبارزه با آن در صورت امکان بصورت جزوه ای منتشر شود، تا در دسترس همگان قرار گیرد."

پاسخ: اخبار گروهی از رفقای هوادار سازمان ما جمع آوری بکرشته از مقالات "حقیقت" در زمینه تقاضا شده جزوه ای ترتیب داده و به چاپ رسانده اند.

ج. از راهبردی

نامها تان (کمی دیر به تاریخ ۶۰/۱/۱۶) که حاوی پیشنهادهای جالب نوعی میباشد بستان رسید و بدست رفقای رهبری داده میشود تا در برنامهریزی های خود مدنظر قرار دهند و با همکاری راکه صلاح میدانند بکنند. ضمناً درباره برنامه آموزشی شورویک سازمان هم اکنون دارای یک برنامه آموزشی از جمله برای هواداران میباشد، که از طریق روابط داخلی میتوانید تهیه کنید.

حیاتیکاری دارودسته حاکم سوسیالیسم کسوی به آنجا کشید که به طبع کسب آقائی در منطقه و باری رسانیدن به بسمیه های اینبخاری سوسیالیسم امریکایی سوسیالیسم در آسیای جنوب شرقی تا جوا نمردها بسمیه کاموج لسکر کشیدند و دارودسته فراری و حاکم سوسیالیسم که هنوز مکتبی است

نیروهای انقلابی و سوسیالیستی در داخل خاک کاموج است، رانرا ریکه قدرت نشاندند، بی از گذشت سیش از سال از بیروزی خلق و بسا موشکمل دولت جدید، هنوز فقر و سیکاری و بی حقوقی و انبوع ستمگری های سیاسی و اجتماعی در ویستنا م سید آمد میکند و ویستنا همجنان در پندهای اسارت و غارت سگان - اینیسار سیکانه سفاک جدیدی سنا ما میربا لسم روس - دست و پا میزند، بدون شک انقلاب سدی و بسا مکتبی که همدنر جوا هاند بود.

اما درباره شخصی ژرژ چنین بعضی رهبر حبیبه خلقی برای رهائی فلسطین، با بدکفت کدوی سکی از مبارزان قدیمی جنبش عفا و ملت فلسطین بوده و در میان مردم فلسطین احترام زیادی دارد. البته برخی تحریمات و همچنین پاره ای مسائل ناکنیکی مورد بحث در میان مبارزان فلسطینی درباره منی و ناکنیک مبارزه حبش و با راستی وجود دارد، لیکن مهمترین اشرف فکری و سیاسی او همانست که سازشکاری (گاد مفرط) وی در برابر سوسیالیسم امریکایی سوسیالیسم در هر حال مابدوی بعنوان یک شخصیت برجسته جنبش فلسطین احترام میگذازم.

همین رفیق همچنین پرسیده است: "تفاوت عبارت 'نظام سرمایه داری' وابسته 'کدام اتحادیه عنوان میکند' 'سیستم سرمایه داری' وابسته 'که گروه های چه نما مطرح میکنند چیست؟' پاسخ: معنای 'نظام' و 'سیستم' یکی است و اتحادیه چیزی بنا نظام سرمایه داری وابسته، بمعنای نظام جامعه ما، مطرح نمیکند، ولی اتحادیه از سرمایه داری وابسته و سرمایه داری دسوانا - لارانه (سوروکرا نیک)، که دارای خطبسی کمپرادوری ما کمپرادور مشهودالی می - باشد، صحبت کرده است، احیاناً اگر در

در حال حاضر با دید در کلیه شهرهای عیده، کشورهای اروپای غربی کویک فیالینت میکند و لی هنوز جیدان بزرگ و رشودار در میان بلیقه سبک و کار با بی در زمین دارید. کمپکی بر از دیگر بیرو جوا هاند.

ش. ش. تمکابین میرسد:

"موضع سازمان در قبال رژیم های کره شمالی، ویستنا م و همچنین شخصی ژرژ چیست؟" پاسخ: درباره کره شمالی بینتر در همین سنون صحبت شده است. اما درباره ویستنا م نظرم اینست که رژیم این کشور رژیم است ضد انقلابی و روبریونست که سکا رگزار سبک سوسیالیسم امریکایی سوسیالیسم در آسیای جنوب شرقی سیدیل شده است. در گذشته ویستنا م گیواره، انقلاب بود، مردم فیلمان ویستنا م تحت رهبری حروب زحمتکشان ویستنا م و در راس آن رفیسی هوشی مین طی جنگهای برحما س و غیر - مانا نه ای علیه امریکاییستهای ژاپنی فرانسوی و آمریکائی و حکومت های دست نشانده آنها به پیروزی های بزرگی باطل گشتند. لیکن حرب رحمتکشان ویستنا م در جریان بروز اختلاف سرورک میان مارکسیسم - لنینیسم و روبریونسم بعضی مواضعی میانها احتیاج کرد و از قطع رابطه با روبریونسم حاکم را تحاد شوروی کد سرعت بیک قدرت امریکایی لسنی فیالرت تبدیل شد و احنا ب و رزسد، پس اردر گذشت رفیق هوشی مین این انحراف حزب و مواضع مانا کرانه آن ژرفا بافت و بتدریج روبریونسم و حط منی دسائروی از امریکاییستهای سوسیالیستی روس سرحزب رحمتکشان ویستنا م غلبه یافت، در نتیجه محمول بیروزی بزرگ خلق فیلمان ویستنا م امریکاییستهای آمریکائی و دسب - نشاندگان شان توسط روبریونسمتها و کارگزاران حاش سوسیالیسم امریکایی روس در ویستنا م رپوده شده و آنها خط منی و سیاست حکومت و احاد سوسیالیسم را تعیین کردند، کار و رضا انقلابی کسری و

حقیقت
ازگان
اتحادیه کمونیستهای ایران
 را بخوانید
 و بخش کنید

لبنان ...

بقیه از صفحه آخر ... جنبش فلسطین برخوردار نیست، همچون گذشته تحت لوای "اجرای قانون و حفظ نظم" نقش زمینه ساز را در سرکوب نهضت مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان که متحد خلق فلسطین است بازی میکند.

از جانب دیگر نیروهای سوری موجود در لبنان نیز تحت لوای برقراری نظم و حفظ آتش بس و اجرای قانون و بینجام "نیروهای بازدارنده" (بازدارنده، انقلاب) تلاش دارند ارتش ارتجاعی لبنان را یاری دهند. رژیم حافظ اسکره در جنگ داخلی گذشته (۱۹۷۵) با سرکوب خلق قهرمان فلسطین و جنبش مترقی لبنان، بطور غیر منطبق خدمت شایسته توطئه ابرفردیت آمریکا نمود، اکنون در شرایط بمباران بدستوران زمان قرار دارد. از یک طرف با مبارزات فزاینده مردم سوریه روبروست، از جانب دیگر با جهت گیری با امپریالیسم شرق متحدین منطقه ایش را که به غرب تمایل دارند "دلسرد" ساخته است. لذا سعی میکند تا به نهضت مقاومت فلسطین فشار وارد آورد و آن را به خود وابسته کند و تحت عنوان مخالفت با صهیونیسم، از آن ابزار برای تقویت موقعیت خود و سوسال امپریالیسم در منطقه استفاده نماید.

در ایران نیز پاندهایی از هیات حاکمه (حزب جمهوری و متحدین سازمان) سعی

دارند که اذهان توده مردم را که بطور تاریخی توجه خاصی به خلق فلسطین داشته اند منحرف نماید. آنها تلاش دارند توطئه جنگ داخلی در لبنان را از یک طرف علیه سوریه و ارتش آن جلوه دهند و از طرف دیگر بر علیه سازمان امل به عنوان با صلاح نماینده شیعیان لبنان، و به این ترتیب با حاکم قلمداد کردن نهضت مقاومت فلسطین و نهضت مترقی مردم لبنان (که بدون توجه به مذهب اعم از مسیحی و شیعه و سنی در آن شرکت دارند) نقش خرابکارانه ای در امر دفاع و پشتیبانی از خلقهای فلسطین و لبنان بازی مینمایند.

آخرین تحولات در لبنان

یک آتش بس شکننده در لبنان برقرار شده است. ولی شواهد حاکی از آنست که امپریالیسم آمریکا و متحدان سنی و صهیونیستی اسرائیلی در پی توطئه های بمباران وسیع تری در لبنان هستند. به اظهار نظرها و اقدامات این کشورها توجه کنید:

" معاون وزارت دفاع اسرائیل برداخی زیپسوری مناطق مرزی لبنان را با زید کرد و گفت " ما به کمک رساندن به مسیحیان (فالانژیستها) لبنان ادامه خواهیم داد. (کپهان اینترنشنال - ۲۰ فروردین ۱۳۶۰)

الکساندر هیگ - وزیر امور خارجه آمریکا - گفت: " ایالات متحده و فرانسه اقدامات دیپلماتیک هماهنگ شده ای را برای برقراری صلح (!!) در لبنان انجام می دهند... این اقدامات می تواند نزدیک نیروی حافظ صلح و نقشی برای سازمان ملل را شامل شود. " (رویترز - ۱۱ آوریل ۱۹۸۱)

" فرانسه روشن ساخته است که آماده ایقاع یک نقش

دو خبر کوتاه کارگری

♦ در کارخانه بافکار یک کارگر که ۶ ماه بود مشغول کار شده بود مبتلا به بیماری غش وضع اعصاب بود؛ ولی مسئولان کارخانه هیچ مرخصی به او ننمیدهند و کوچکترین توجهی به وضع خطرناک جسمی او، از جهت تهیه وسائل مداوا و معالجه، نمیکنند. در نتیجه بکبار پس از تشنج اعصاب و استفراغ میمیرد. کارگران باید از همین یک نمونه به موقعیت در این جمهوری پی ببرند، که در حالیکه پیرمردی را مرقا بخاطر مقام مرجعیت برای یک بیماری چشم ساده (که تازه معلوم شده قلابی بوده) میلیونها تومان خرجش میکنند و به اسپانیا میفرستند، با کارگر جوان ساده ای که تمام بنای این جامعه محصول زحمت اوست، حتی در وضع نزدیک به موت نیز چنین ناسپاسی میکنند!

♦ بخش پرس کارخانه ایران ناسیونال روی اعتصاب است و خواسته های کارگران وقت ناهار، ساعت کار و اضافه دستمزد مهیا شد.

حق استفاده از آب ...

تا جاییکه بعد از آمدن شهردار حزبی شادشهر به آنجا و تهدید وی توسط چهار شیرزن مسلح به تنه های درخت (!) وی قول میدهد که نیاز آب را تامین کرده و حتی آب را تصفیه کند. بعد از آن ضمن درگیری که بین پاداران و اهالی در میگیرد پاداران چندتن از نمایندگان این مردم زحمتکش را دستگیر کرده و به کمیته میبرند. در روز ۱۳ فروردین با ردیگر مردم این شهرک مجددا سوار بر کامیونها و توبوسهای خود میشوند تا با بستن جاده بدین عمل ضد انقلابی پاداران جوابی دهند. و با بند آمدن آب هر دو روز یکبار روهمچنین نبود برق در اغلب روزها و شبها با بودن مسائلی چون نبود سیله حمل و نقل کافی - خرابی جاده - نبود تلفن در سرتاسر این شهرکها و ... نهضت همچنان ادامه دارد.

زحمتکشان بیدارند / از حزبی ها بیزارند
سرگ بر حزبی ها / مرگ بر حزبی ها

رهبری کنند در اتحاد یک نیروی با زدارنده در لبنان است، اگر این امر توسط مقامات لبنانی تقاضا شود. (رویترز - ۱۱ آوریل ۱۹۸۱)

الکساندر هیگ: "... اگر طرفین در لبنان نتوانند بطور موثر رفتار کنند، ما نوعی نیروی حافظ صلح را در نظر خواهیم گرفت. " (هما نحا)

" فرانسه بونسه (وزیر امور خارجه فرانسه) تصمیم گرفت که ... سخنان فرانسه در لبنان، سوریه، عربستان سعودی، اسرائیل و ایرلند را برای مذاکرات (درباره لبنان) فراخواند. " (هما نحا)

نمای اظهارات بسالا بروشنی نشان دهنده این امر است که امپریالیستها و صهیونیستها نقشه وار در کردن نوعی نیروی نظامی (تحت پوشش "سازمان ملل"، نیروی "بازدارنده" و...) به لبنان را دارند و این امر را بسیار جدی و فوری میدانند. این امر باعث توطئه ای که بر علیه جنبش مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان وجود دارد نشان میدهد.

مادر شماره آینه - در پرتو بررسی اهداف و نتایج سفر الکساندر هیگ به خاور میانه به این امر بیشتر خواهیم پرداخت.

ال سالوادر ...

جمهوری قبلی سالوادر (که از طرف این حزب بنا نهاده شده بود) "خوزه ناپلیئون دوارتسه" - قبل از آنکه از کا ری بیفتد (یک سال پیش)، مذاکره کنشده، اصلی کمک نظامی آمریکا به سالوادر بود، "جبهه انقلابی دمکراتیک" ائتلاف وسیعی است از نیروهای اپوزیسیون - اکثران نیروهای بورژوازی - که بروشنی برخی از آنها طرفدار غرب و طرفدار شرق هستند، اگرچه همه گروههای "جبهه انقلابی دمکراتیک" مانند "اونکو" و "دوارتسه" آمریکا نمی بینند، ولی اکثران نیروهای ساژشکاری هستند که میخواهند از فیل انقلاب توده ای مردم به قدرت برسند، ولی در عین حال طبقات تپمی - دست راست تحت فشار نگهدارند. ولی با تمام این چشمک های ساژشکارانه از طرف نیروهای مختلف، امپریالیسم آمریکا به پشتیبانی کامل خونستای نظامی بلند شده است، اما هر دو هم منظور که گفتیم نشان ندهنده آنست که امپریالیسم آمریکا به نوکران عدد در خدمت سگوشی نیاز دارد.

بدیده آمدن اوضاع انقلابی در یک رشته از کشورهای در چندین سال گذشته (ایران، لهستان، نیکاراگوئه، ال - سالوادر، افغانستان) نشان - دهنده عمق بحران عمومی است که سر تا سر جهان را فرا گرفته است، این بحران عمومی می که با به های سیاسی امپریالیستی را بدل کرده در آورده است، از یک سو خلقهای جهان را بحرکت در آورده و آنها را به خروج از بحران را در انقلاب می یا بند، امپریالیسم

ال سالوادر به درجات مختلف تحت تاثیر خط مشی شوروی و کوبا هستند و بنا بر این مواضع فرصت طلبانه و ساژشکارانه اتحاد می کنند. در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۱، سماندکان FMLN (جبهه رها نیجش فایونند و مارشی) که ائتلافی از ۴ گروه چریکی با حزب "کمونیست" (طرفدار شوروی) ال سالوادر است در هندوراس با سدیبر آمریکا - جک سبزه ملاقات کردند. این نمایندگان اظهار داشتند که این ملاقات صورت گرفت تا "اشتیاق ما به آغاز یک گفتگو نشان داده شود، بشرط آنکه ایالات متحده تمام کمیته های نظامی خود به خونستای جاسایتکارا قطع کند و تسول بدهد که کشور را اشغال نظامی ننماید، یا توسط نیروهای آمریکا تی با هر نیروی خارجی دیگری". ولی بعد از ظهر همان روز، امپریالیسم آمریکا یک کمک نظامی ۵/۵ میلییون دلاری به خونستای سالوادر را اعلام کرد و نمایندگان "بسه ساچا را زخیر شروع گفتگو" گذاشتند.

رهبران نیروی دیگر در اپوزیسیون سالوادر - "جبهه انقلابی دمکراتیک" (FDR) حتی پس از آنکه کمک ۱۰ میلییون دلاری نظامی آمریکا اعلام شده بود، اظهار داشتند که یکی از اهداف مهم "جبهه انقلابی دمکراتیک" عبارتست از "بحرانی ساچی آمریکا به بدیدن این واقعیت که ما نمی دمکراتیک هستیم که میتوانیم با مسامحه آمریکا و جهان همزیستی کنیم". سخگوی این جبهه "کبیر سو اونکو" رهبر سابق حزب دمکرات مسیحی سالوادر است، این حزب قبلا در قدرت بود، رهبری

لیستها نیز برای خروج از بحران بحوری کده نظامی پوسیده و ارتجاعی شان ضربه - ای نخورد به فاشیسم، تجا و زگر و سرکوب انقلابات از یکسو، و تدارک جنگ جهانی مشغول میباشند. این اوضاع بدرستی پیش بینی داده اند، رفیق ما نوشته دون را به اثبات می - رساند که گفت: "یا انقلاب از جنگ جلو میگیرد و یا جنگ به انقلاب دامن میزند". ولی متاسفانه به خاطر ضعف جنبش بین المللی کمونیستی که ناشی از ضربات بی دربی ظهور ریز بیونیسم خروشانی و ریز بیونیسم سه جهانی و شقه شقه شدن این جنبش میباشد، این انقلابات از رهبری پرولتری بی بهره گشته اند، گسترش بحران انقلابی در این کشورها و بنا -

گمهای مالی دریافت شده

شهر	مبلغ	کد	نام
اصفهان	۱۰۰۰	۵	رفیق کارگر
"	۱۰۰۰	۳	س
آغا جاری	۱۰۰۰۰	۴	م - ن
بابل	۱۰۰۰	۱	م - ف
تهران	۱۰۰۰		الف - سرباز
"	۲۵۰۰		م
"	۲۰۰۰	۳	کارگر
"	۱۵۰۰۰	۱۲	ع - ع
"	۱۰۰۰		ح - سرباز وظیفه
"	۱۰۰۰		الف - سرباز
"	۱۱۰۰۰۰		ت - الف
"	۵۰۰		ک - ر
"	۲۰۰۰۰	۵۵۲	س
"	۵۰۰۰		م - م
"	۳۰۰۰		رفیق هوادار
"	۱۰۰۰۰۰		"
"	۲۵۰۰۰۰		"
"	۵۰۰۰۰		"
"	۱۵۰۰۰۰		"
"	۱۰۰۰۰۰		"
"	۳۰۰۰۰۰		"
"	۵۰۰۰۰		"
"	۱۰۰۰۰		م - ص
تهران شهرک	۴۵۰۰		ص - ط
ولی عصر	۱۰۰۰		م - م
کیرج	۱۰۰۰		س - ص
"	۵۰۰	۱۸	ر - م
عمری	۷۰۰۰	۶۱۵	ک
گیلان	۱۰۰۰	۵۳	ن - ی
"	۵۰۰		رفیق هوادار کا رسد
منجان	۳۰۰۰	۲	ایل
"	۳۰۰۰	۱۲۳۷	ن
"	۱۰۰۰	۵۵	عمی
تبریز	۵۰۰		ب - ح

ال سالوادور: تجاوزگری آمریکا،

ضعف و هبوری جنبش خلق



شده های مردم سالوادور و گروههای چریکی مختلف، در ماههای اخیر مبارزه مسلحانه خود را بر علیه خونت (رژیم نظامی) فاشیستی و اربابان آمریکا شش گسترش داده اند، با رتیزا آنها مناطق بزرگی از کشور را در کنترل خویش دارند و این مناطق را آزاد شده اعلام کرده اند. سخنگویان دولتی کاهاهی به نایب توانی خویش در شکست دادن پارتیزاها اذعان میکنند، اگر چه رسماً در باره "تحت کنترل" بودن کاملاً اوضاع گزاره گویی مینمایند. در حقیقت پارتیزاها در شرایطی میجنگند که شکست نظامی شان بسیار مشکل است. آنها از موقعیت کوهستانی سالوادور استفاده شایانی میبرند: از

نقشه های تجاوز کارانه آمریکا

در چنین متنی از اوضاع عمومی است که امپریالیست های آمریکا میجور شده اند با گسیل مستشاران و "کمک" نظامی وسیع (ویتنام وار) خود را وارد کنند تا بهر قیمت ممکن

از سرنگونی رژیم ۱۰ میلیون دلار برای تقویت دست نشاندگان جلویگیرند. ارتش سالوادور فرستاده شده تا اکنون سلاحهای به ارزش بیش است. (بقیه در صفحه ۱۲)

لبنان: توطئه جدید امپریالیسم و صهیونیسم

کاملاً جدیداً امپریالیسم آمریکا، بنمایندگی ریگان قصد دارد توطئه "کمپ دیوید" را تکمیل بخشد، رژیم دست نشانده اردن را نیز زوارد مصالحه و اتحاد با اسرائیل بنماید. از آنجا که این نقشه همانند سازش مصر و اسرائیل مخالفت ملت های عرب و غیر عرب خاور میانه و بخصوص فلسطین را برخواهد انگیزد، لذا جنگ داخلی دیگری را در لبنان بر راه انداخته تا بتواند فلسطینیها که از نظر تعداد و از لحاظ سیاسی و نظامی در این کشور متمرکز هستند را، سرکوب کرده و راه مصالحه اردن و اسرائیل را هموار سازد. در حال حاضر عازم فلسطین

حق استفاده از آب لوله کشی، حق هر انسان است! گزارشی از مبارزات مردم در شهرک قائمیه

شهرک قائمیه، شهرک بسیار کوچکی در جاده ساوه با جمعیت حدود ۱۵۰۰ نفر میباشد. در این شهرک که به زاهدی نیز موسوم است و تنها یک خیابان و چندین کوچه دارد، اهالی از آب لوله کشی محروم بوده و هر چند روزی بوسیله یکی دو منبع آب چاه میتوانند از این نعمت طبیعی زندگی بهره جویند. از تاریخ ۲۶ اسفند سال ۵۹ مدت ۱۵ روز آب قطع میشود و اهالی مجبور میشوند به شهرک پائین (شهرک سعیدیه) مراجعه کرده و آب مورد نیاز خود را با کرایه ماشین به خانه های خود بیاورند و در این عیدیا چنین مشکلی روبرو میشوند. در این میان زنان محل که بیش از دیگران با آب سروکار دارند (به لحاظ کارهای روزمره) کم کم خشمگین شده و با مشورت یکدیگر متحدانستی با لازمه و شروع به اعتراض میکنند و به منظور جلب حمایت و پشتیبانی دیگر مردم به جاده رفته و با تفاق مردان و کودکان که به دنبال آنها روان گشته بودند جاده تهران ساوه را می بندند و با تنه های درخت و اتومبیل از عبور و مرور جلوگیری میکنند. در این میان نکات بسیار قابل توجهی، شورای قلابی محل را افساء میکنند و آنها را بر سمیت نهی شنا سند و بگسر آنکه متحدان تا به آخر پیش میروند. (بقیه در صفحه ۱۵)